

انتخابات مجلس؛

شکست رسالت، پیروزی تحریم

انتخابات مجلس سوم، در شرایط سلطه تروری و اختناق و پیگرد و سرکوب خوین سازمان های سیاسی و جمعیت ها و شخصیت های انقلابی و ترقی خواه کشور، در زیر آوار بمب و موشک و در حالی که تهران و بسیاری از شهرهای مرکز، جنوب و غرب کشور، از جمعیت خالی شده بودند، در نوزدهم فروردین ماه برگزار گردید.

انتخابات از یک سو، مره کشتن جناح های حاکم بود - که با انشعاب در "روحانیت مبارز" به اوج رسید - و از سوی دیگر، تجلی بی اعتمادی و رویگردانی فرا بنده بوده ها بود نسبت به رژیم آزادی گش خمینی.

درگیری جناحین، این بار نه تنها در مبارزه تبلیغاتی با ندها و دستجات "حزبی" ر حکومتی، که در چگونگی اعمال کنترل و نظارت بر صندوق ها نیز متمرکز بود. این امر به مثابه یکی از نمودارهای بازتابی و فساد مجموعه حکومت، دورا از انتظار نبوده است. هر چه حکومت فاسد تر و منقورتر می شود، چپال و آرا و صندوق ها در "انتخابات" برای رژیم الزامی شروحی ترمیمی بود و به تبع آن نقش عامل "کنترل و نظارت" فزونی می یابد. رژیم فاسد خمینی نیز از این قاعده مستثنی نیست و انتخابات اخیر مجلس با ردیگری این حقیقت را به اثبات رسانید.

درگیری بر سر تصاحب صندوق ها که از مدت ها قبل به صورت دعوی و زارت کشور و شورای نگهبان و تفاسیر مختلف از قانون اساسی و قانون انتخابات آغاز شده بود، در روزهای انتخابات به اوج خود رسید. وزارت کشور به پیشگرمی خمینی، به شمول مالی "فقهی عظیم الشان" شورای نگهبان پرداخت، خود را همه کاره انتخابات و مسأله "فقهی عظیم الشان" خط خود را پیش برد.

در جریان این کارزار، شورای نگهبان که در انتخابات مجلس دوم، تقریباً، همه کاره بود این بار در عمل به پایزی گرفته نشد. و بعد از تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت"، دو مین فریبکاری را از "اما معزز" در یافت کرد.

درگیری و تقابل حاکم دو بی باق و زارت کشور و شورای نگهبان - دوا رنگی که به زعم رئیس جمهور رژیم، می باشد به مثابه دوا ل قوی یک پرنده نیرومند، نظام را به پیش ببرند - حدت تضادها و بحران درون حکومت را بیش از پیش به نمایش گذاشت.

در جریان انتخابات، اختلافات و مسابزات درون حکومت تا بدینجا لا گرفت که در "اما معزز" روحانیت مبارز تهران، انشعاب شد و این بیگانه مهم ترین حادثه در جریان انتخابات است.

با روشن شدن این مسئله که مخالفین دولت و به ویژه سرمداران "روحانیت مبارز تهران" و شورای نگهبان، به استیلا بیشنهادی "دفتر امام" موافقت نخواهند کرد، خمینی از دوسو، تعرض تازه را سازمان داد؛ از زبونی دست وزارت کشور باز گذاشت تا تحت نظر "بیت امام" پروبال فقهی های "شورا" را قیچی کند و از سوی دیگر - هنگامی که از تمکین "روحانیت مبارز تهران" نا امید شد - فرمان انشعاب را صادر کرد. اعضای سرشناس دفتر خمینی، نمایندگان خمینی در کمیته ها، بسیج، حج و اوقاف، و انصار رمری و... و شیباری از سرختر ترین مریدان خمینی در کنار رخشونی ها و گروهی در رأس انشعاب قرار گرفتند و خبرتاسیس شورای مرکزی روحانیون مبارز تهران را همراه با خبرتاسیس خمینی و وعده کمک مالی او، منتشر ساختند. انشعاب بیون تصریح کردند که انشعاب از انشعاب است، انتخابات مجلس سوم بوده است. در این رابطه، اما مجارانی - که از مجار بیت امام است - طی مصاحبه ای با کیهان نازدهم فروردین گفت: با بعضی از موضوع گیری های اخیر که همانا تا شید و تعیین بعضی از کاندیداها شد، که در بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره

تهاجم راهزنانه آمریکا در خلیج فارس

مستقل و تلاشی مخرب برای بحران تر کردن اوضاع در خلیج فارس از بی می کند. ما از همه مجامع بین المللی و از شخص دبیرکل سازمان ملل متحد می خواهیم که به هر وسیله ممکن مانع از تکرار این فجایع گردند. لگام زدن به امپریالیسم آمریکا و مسامحت از هرگونه وسعت یا بی دامنه عملیات نظامی و جنگ در خلیج فارس اکنون اهمیت فوق العاده یافته است. سکوت در برابر این راهزنی دریائی غیر مجاز و فریاد بل توجیه است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت): حکومت جمهوری اسلامی و شخص خمینی را مستمول ادا مد جنگ میان دو کشور ایران و عراق می شناسد. بقیه در صفحه ۱۱

در روزهای ۲۸ و ۲۹ فروردین ماه ۶۷ (برابر ۱۷ و ۱۸ آوریل ۸۸) نیروهای نظامی آمریکا بی مستقربدر خلیج فارس دو سکوی نفتی و دو ناو شکن نیروی دریائی ایران را مورد حمله قرار داده اند. این عملیات راهزنانه به بیانه به برخورد یک کشتی آمریکا با یک مین دریائی و خسارت دیدن آن انجام گرفته است.

شخص ریگان و وزیر متحدان نا توئی همسپراز وی دستورا ارتکاب این عمل تجار و کاروانه را صادر کرده و بر سرپا جرای آن نظارت مستقیم داشته اند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این راهزنی دریائی را بشدت محکوم می کند و آن را یک تجار و زوحشیا نه علیه یک کشور

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت

اول ماه مه (روز کارگر)

- ☆ جنبش کارگری در سال ۶۶ صفحه ۶
- ☆ کارگران زن محرومترین بخش طبقه کارگر صفحه ۷
- ☆ چهار تراکت پیرامون قانون کار صفحات ۷ و ۵

تظاهرات ضد جنگ در خارج از کشور

جنگ بهر حال نه شهرها و حملات موشکی و بمباران های هوائی علیه مردم بی دفاع ایران و عراق، انزجار و تنفر از رژیم خمینی به عنوان عامل اصلی ادا مد جنگ را دامن زده است. طی دو ماه گذشته، هم میهنان ما در خارج از کشور ضمن اعتراضات گسترده علیه ادا مد جنگ و موشک باران ها گوشه ها از این نفرت عمومی را به نمایش گذاردند. موج تیر و پند اعتراض به رژیم خمینی و همبستگی با مردم زجر دیده ایران، تقریباً در اکثر کشورهای اروپا و آمریکا به راه افتاد. این حرکات چهارپره پلیدو جنگ طلب رژیم خمینی را در سطح وسیع تر از گذشته نزد دنیا نشان افشا ساخت و همبستگی بیش از پیش افکار عمومی جهانی علیه جنگ و رژیم خمینی را موجب شد.

صلح تنها با مبارزه بدست می آید

پس از دو ماه و کشتار و رویرانی و وحشیگری، طولانی ترین و فاجعه بارترین دور جنگ شهرها متوقف شد. اما عراق اعلام کرده است که حمله به مراکز اقتصادی را "وجه" می شمارد و جمع بندی اسلامی نیز، حمله در جبهه ها را "حق خود می داند". خطر شروع مجدد جنگ شهرها، به هیچ وجه رفع نشده است. قتلانیز جنایتکاران حاکم بر ایران و عراق در مورد توقف این مسأله جنایت تعهد سیردند، اما چند روزی بیشتر بر سر تعهد خود باقی نماندند. آرامش و سودگی هنوز در کار نیست. مردم از خسود و از یکدیگر می پرسند در سیدی کشتار کی فسرنا خواهد رسید؟ تجربه نشان داده است که تا وقتی جنگ ادا مد دارد، خطر جنگ شهرها نیز باقی است. در کتا ر دو ماه تلخ و خونینی که بر مردم ایران و عراق گذشت، خون ریزی و حملات وسیع در جبهه های جنگ نیز شدت یافته است. مدت زمان کوتاهی از فریادهای "جنگ جنگ تا پیروزی" و تبلیغات چون آمیزد مورد شکستن بن بست جنگ و وعده "پیروزی های بزرگ" که به دنیا تلخ خیر حلیجه با ردیگری و گرفت - نگذشته بود که نیروهای خمینی شکست سنگینی را متحمل شدند و شبه جزیره "قا" را از دست دادند. "قا" که به بیایا همها هزار قربانی به دست جمهوری اسلامی افتاده بود، یک قطعه با اهمیت استراتژیک در جبهه جنوبی به شمار می رود. نیروهای خمینی با در دست داشتن "قا" و به فشار دایم علیه عراق و تهدید کویت دست میزدند. با این دادن به اشغال "قا" که بیاسا تلفات سنگینی برای جمهوری اسلامی همرا ه بود، شکست سختی برای رژیم آخوندها بود. شکست "قا" نشاندهای از ناتوانی رژیم خمینی در بسیج نیرو برای ادا مد جنگ و حفظ موضع تعرضی در جبهه هاست. بقیه در صفحه ۲

دهمین سالگرد انقلاب ثور

گرامی باد

- ☆ روز معلم گرامی باد صفحه ۹
- ☆ ماکسیم گورکی پایه گذار رئالیسم سوسیالیستی صفحه ۱۰
- ☆ قرارداد زنو، نوید استقرار صلح در افغانستان صفحه ۱۱

در این شماره

- ☆ آموزش مارکس جاودانه است صفحه ۴
- ☆ درباره تبلیغات (۵) صفحه ۸
- ☆ "شورای فرهنگی" نهادهای ارتجاعی علیه زنان صفحه ۳

بمباران شیمیایی حلبچه و ۳ کشتار تبهکارانه مردم شهرها را محکوم می کنیم!

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

دوره گذشته مجلس نشان داد که در مقابل دستورات اما موضع گرفته و نسبت به دولتی که مورد تأیید اما است، ما موضع گرفتیم و دستورات را تضعیف کردیم. این انقلاب پردها خاشاک است، اما ما می‌توانیم که نتوانیم خطی را نگه داریم یعنی از طرف دیگر انتخابات حزبی و احیاناً اغراض سیاسی دیگری دارند ... بخوانند مجلس را ... در سلطه خود در آورند ...

بدن با چراغ اینجا نب و برادران دیگر ... به عرضان (به عرض روحا نیت میا رز تهرآن) رسا ندیم ... که چنانچه در خواست مخلصا نه ما (یعنی دفتر امام) در تعیین کاندیداها مطلع نظرمیبارک آنان قرار نگیرد، اجبارا لیست دیگری را تهیه و با نام "روحانیون میا رز تهرآن" اعلام و در هر موضوعی دیگر، موضع فکری و سیاسی خود را اعلام خواهد نمود ...

جمالی سبب توضیح می‌دهد که به علت پذیرفته نشدن لیست پیشنهادی دفتر امام، انشعاب اجتنابنا پذیرد ...

همدرما حبه‌های چارانی و کروی، همدرما روحانیون مبارز به خمینی و هم در جوار بیبه خمینی، یک تکتک بر جسته است و آنرا بیکه، انشعاب کتونی را بنیاد نشان نه نشو به حساب قطعی با طرف مقابل تلقی کرد و خمینی نه به قصد مبارک کردن همه پهلایا و سا زمان دادن پاک سازی مخالفین از حکومت، بلکه برای نشان دادن یک ضربت، به تلافی نافرمانی جناح مخالف در مجلس دوم و ادا نمودن رسالت و سایر مخالفین به پذیرش قید و شرط رهبری خود، و به منظور قدرت نمایی، دست به این کار زده است ... در عین حال انشعاب را نمی‌توان از حرکتی به منظور تسخیر مجلس سوم ارزیابی کرد ... تردیدی نیست که برای خمینی بر کردن مجلس سوم از مریدان گوش به فرمان خود و احیاناً دولت موسوی، از اهمیت جدی برخوردار بوده است و خمینی نشان داد که برای دستیابی به این هدف، مزم خود را جزم کرده است ...

اما انشعاب را با ایدها در جوار مجامعه تضادها و اختلافات درون روحا نیت کاکم بررسی و علت یابی نمود ... و باید در نظر داشت سیمای عمومی حاکمیت بی‌امدهای آن را نتواند ...

انشعاب مریدان خمینی از "روحانیون میا رز تهرآن" اگر چه در خدمت تائید امر از آراء خمینی در انتخابات قرار گرفت، اما نمی‌توان آن را پیروزی را صرفا نشان قدرت خمینی و ورژیش دانست ... انشعاب در عین حال بیباک و متعصب و زینت بود ... بعد از آن که حزب جمهوری اسلامی از کنترل طرفداران دولت موسوی خارج شد و امکان تسخیر و قدرت انحلال حزب را داد ... اما از آنجا که تهران را نداشت، دست به انشعاب زد ... پیام عوام تبلیغی نه خمینی در آستانه انتخابات که خط مضمون تبلیغاتی مریدانش را نیز ترسیم می‌نمود، موجی از شعارهای فریادگاران و فرصت طلبان نه "صد استخارای خدا، میریالیستی و ضد سرمایه‌داری" را پدید آورد ... خمینی با توجه به وضعیت جنگ، ابتدا به عبارتی نظیر "روز و روزها شورای حسیناست، صلح تنها با مبارزه ... بقیه از صفحه اول

و شعار آن هم فصل انتخابات، مگر می‌توان توده‌های محروم را از دیدگ "شعار" اطفا نکرد اما خمینی می‌خواست پیروزی انتخاباتی بر رقیب دولت را با کشیدن مردم به پای صندوق‌های رای تکمیل کند ... برای این امر رژیم روشن بود که مردم در درگیری‌ها دنیا ندهای حزب‌اللهی چا نسبت هیچ طرف را نخواهند گرفت و ترجیح خواهند داد که گریز از هم‌دیگرا بدارند ... برای خمینی مهم بود که پیروزی بر رقیب با پیروزی تحریم انتخابات باشد و شکست نشود ... و از این رو به مقلدان خود، رهنمود داد که با جز "فدائیان رز و ضدا میریالیستی" وارد کسارزا و تبلیغاتی نمی‌شوند ... این حیلگری خمینی نشان می‌دهد که مردم می‌توانند ما تا چه اندازه از ما میریالیسم و غارتگران و سرما پیدا را بزرگ متفرد و قوی و قوی و قوی و قوی نیز جدا جدا دو سیمونفا جمع‌بندی یافته است ... در این زمینه، اعتراف روزنامه حکومتی که چنانچه قابل ذکر است ... گزارشی که چنانچه ضمن اشاره به شکست مجلس دوم، علت "مستضعف نوازی" جناحین حکومت را اینگونه توضیح داد:

عملکرد مجلس دوم ویرانگر و ورده نشدن انتظاراتی که از آن می‌رفت، بهر قایت بسیار فرسوده‌کننده‌ها در سطح کشور منجر شده است ... که نندیده‌ها ما به خوبی دریا فتنه‌ناک مردم نسبت به حجاب عملی آنها از قشای مستضعف و محروم چا مع و توان عملی تا اثر آنها در جهت گیری نهانی مجلس به سمت حل مشکلات آنان بسیار رساند ... از این رو در تمام تبلیغات انتخاباتی که نندیده‌ها، برای این ویزگی تاکیده شده است ... (کیهان ۱۵/۶۷/۱۵)

بنیادین انتخاباتی که در آنجا رخ داد و خنده‌ها نتوانستند از طور که می‌خواستند مردم را به پای صندوق بکشند و حیلگری خمینی در اثر متشنع مردم، کارگرینا فساد، مردم از شرکت در این نمایش امتناع کردند ... از قبل روشن بود که هنگامی که مردم بلاکشیده می‌باشند، دست خمینی را که سرش را در جیبان این فریبکاری‌ها است می‌بینند و پیوسته می‌آوردند که این دستهای آلوده به خون مداهار جوان ایرانی، همواره در کنار دست غارتگران بسیار و سرما پیدا را بزرگ، گلولی آنها را می‌قشارد ... فریبان این تبلیغات دروغین را نخورد و برای گریز از تحریم می‌نمایند ... پس از انتخابات برای رژیم تسکین رخیی چاره‌ای باقی نماند ... که تبلیغات عوام فریبانه ضد سرمایه‌داری و دروغین را با دروغ بزرگ دیگری تکمیل کنند و مدعی شرکت ۱۷ میلیون نفر در "انتخابات" گردد ...

بدینگونه برده‌ها و انتخاباتی که مجلس سوم که با کارگردانی "بیباک امام" و وزارت کشور آغاز شده و با غوغای "مستضعف نوازی" آدامه یافته بود، با "پایان خوش" ۱۷ میلیون شرکت‌کننده و پیروزی مهره‌های مورد تأیید خمینی و جانبداران دولت موسوی، به انجام رسید ... اکنون دولت خد متعززا مستضعفین، هم مجلس "خا میا برهانگان" هم "جمع تشخیص مصلحت"، جملگی در "خدمت محرومان" میباشند ... بی‌باید که خمینی برای توجیه دادن و غارت بی‌بندوبی مردم بوسیله کلان سرمایه‌داران و غارتگران با زار، چه حیل‌ها نتواند در آستانه درآورد ...

دلیل سماجت رژیم خمینی بر شروط خود، بی‌نتیجه ماند ...

اکنون راه‌ها دلانه‌ها برای قطع جنبش و برقرارای صلح وجود دارد ... همه‌جا قطع همه مردم ایران و عراق، خواهان اجرای قطعنامه ۵۹۸ و پایان دادن به کشتار خون ریزی برپا شده است ...

پایان دادن به این جنگ هستی سوز و ویرانگر در گرو بسیج وسیع‌ترین اقشار جامعه در موفقی واحد است ... نیروی متحد و یکپارچه مردم، نیروی اراده میلیونها مردم صلح‌طلب ایران برای پایان دادن به جنگ، مهم‌ترین ضامن استقرار صلح است ...

گسترش اعتراض علیه آدامه جنگ، به هر شکل ممکن، با به‌های رژیم ارادامه جنگ لزرا ن تروضعیف می‌کند ... امروز با دیدمبارزات مردم و همه نیروهای طالب صلح را حول خواست اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت متمرکز کرد ... با بد تبلیغات جنگ طلبانه رژیم و عوام فریبی‌های "صد میریالیستی" آن را افشا کرد ... در کارخانه آدامه، در دانشگاه و مدرسه، در محیط‌های کار و روزندگی، به اقدامات دسته‌جمعی اعتراضی روی آورد ... کمک مالی به جبهه‌ها تحریم کرد ... از اغراض جبهه‌ها در هر شرایطی خودداری کرد ... با تهدیدات و تعرضات رژیم مقلدانه، فضا رژیم به هر طرف را با حرکت جمعی بی‌شراکت و به اعتراض و اعتصاب دست زد ... پس از همه‌پرسی از انفجار هر موکب، پس از هر حمله و کشتار، با اید اعتراضی و نظرات درآورد ... اعتصاب و نظرات در دو سیمونفا نیرومندی است که کار رژیم را با دشواری بیشتر روبرو می‌کند ... برای قطع جنگ و نجات زندگی میلیونها انسان و رها می‌تواند از ویرانی و توحش راه‌دیگری نیست ... ما مردم ایران خودمان باید نشان دهیم که تا بسته زندگی و صلح و آزادی و صلح و آزادی تنها با مبارزه متحدانه به دست می‌آید ...

امروز ایران کربلاست ... ضرورت است استفا ده‌به موقع از احساسات مذهبی مردم را به مبلغا نشن یا دا و رشدولی آن را چندان که زانیا فافت، لدا نشنم که نه "مستضعف پروری" و "مستکبر سبزی" و "تفبیح اسلام میریالیستی" را سا زکرد و گفت: "مردم ایران ... به نما بیندگانی رای ده‌ده که ... طعم تلخ فقر را چشیده‌باشند و در قتل و عمل مدافع اسلام یا برهانگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌بیدگان تا ریخ، اسلام رفان میا زور است، اسلام چا طینت‌نا عا فر و در یک کلمه مدافع اسلام با محمدی باشند و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بدارد، اسلام تحت‌طلبان اسلام فرصت طلبان و در یک کلمه اسلام میریالیستی هستند، برده‌نموده و به مردم معرفی نمی‌کند ...

ظواهر انتخاباتی که نتوانستند در آن مشارکت دارند، آنهایی که باید بعد از انتخابات مدافعین اسلام میریالیستی "مردم" شده و به مردم معرفی شوند، گسائی جزوقیای انتخاباتی جریان طرفدار دولت و خمینی نیستند و از این قوازیما منقطا باید دستگیری گرفت که خمینی برای قلع و قمع "رسانا" و همپالگی‌های آن مشور کشیده است اما هشدار خمینی در فرار از دیگری از پیام، نشان می‌دهد که هدف اصلی پیام انتخاباتی از فریب مردم استیرا یا کشاندن آنها به پای صندوق‌های رای، نه اعلام جنگ به جناح رسالت و قلع و قمع آنان، و خطا به مریدان و مبلغان می‌گوید ... با ایدسی شونده‌ها یا ناکرده، به کسی توهین نگردد ... و دوستی و برادری که چیزی شیرینتر از آن نیست لطمه‌ای نخورد ...

و این بیعتی قلع و قمع که هیچ افشا و طرد و عده‌ها ده شده در پیام منبذ نشنا برای انداختن مسؤلیت غارت بی باک مردم به گردن دیگران و فریب توده‌ها مطرح شده است و آنچه در عمل با بدیش برود، فقط دوستی و برادری شیرین است ... مریدان خمینی با تقسیم‌کاری اجرای قوازیما مختلف پیام را عهده‌دار شدند ...

وزارت کشور اجرای بخش عملی پیام را بر عهده گرفت و هرگز او استفا ده از سر برگان نندیده‌ها را غیر قانونی اعلام نمود ... دفتر تحکیم وحدت در اجرای بخش تبلیغاتی پیام، سنگ تمام گذاشت ... دفتر تحکیم که به کمک انجمن اسلامی علمان و با پیوستن خانه‌ها و گروه، "اشکاف مستضعفین و محرومین" را سرهم بندی کرده بود، با شعار "مجلس سوم، بظهور جنگ فقر و غنا و تحقق اسلام با برهانگان" در محله‌ها و در بخش‌های از بیانه خود، احکام انقلابی - نما می‌نمودند ...

سرما پیدا ری میا بست مورد تعرض شدید جریان خطا مفر را گرفت ... آسوده‌گذشتن نظام سرما پیدا ری چنانی و با بیگانه‌های داخلی آن به شدت مانع‌نگرانی است ... سرما پیدا ری در تمام وجوه خویش و به تمام ماکمال می‌بایست ... مورد هجوم قرار گیرد و ریشه سرما پیدا ری را که روحه‌ها کشا نشرو استخارای انسانها می‌باشد می‌بایست مورد تعرض قرار داد ... (دفتر تحکیم وحدت، کیهان ۱۵/۶۷/۱۵)

دفتر تحکیم حکومت فقها می‌خواستند عوام فریبی، ریشه سرما پیدا ری را استخارای انسانها را در تمام وجوه و "به تمام ماکمال" از خاک ایران درآورد ... چه می‌توان گفت؟ در جمهوری تعزیه بین المللی زیر نظر سازمان ملل متحد بر عهده گیرد ... میا زده‌ها را با سا را با بدیش یکگرد ... در عین حال با ایدها از زنده‌ها رژیم جناحینکام خمینی، احساسات به حق ضدا میریالیستی مردم ایران را که از سیاست تجار و کارآرانا میریالیستی به خشم آمده، به سود اهداف جناحینکام را نه و تحکیم‌ها به‌های رژیم خود به کار گیرد ... آدامه جنگ، تحریکات جنگ طلبانه خمینی و امتناع آن از بدیش سرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، بزرگترین بهانه دست‌آویز میریالیسم آمریکا برای گسترش حضور تجار و کارآرانه خود، در خلیج فارس است ... حمله رژیم به سیاست تاپولطی، با زرسی و تهدید مداوم گسائی‌های تجاری، عوام‌ملی است که به کمک آن میریالیسم اقدامات خود را توجیه می‌کند ... میا زده‌ها در صلح و میا زده علیه رژیم جمهوری اسلامی، یکی از موثرترین راه‌های میا زده‌ها میریالیسم آمریکا و خارج آن از خلیج فارس است ... این حقیقت را با بدیش به توده‌های مردم توضیح داد و مانع از سو استفاده رژیم را از احساسات ضدا میریالیستی آنان کرد و بدینجهت اجازت‌دهندای دیگر در برابرتلاق متعفن "فدائیان میریالیستی" رژیم بیفتند ... نه تنها برای پایان دادن به رنج‌های بیشمار مردم، بلکه برای مبارزه موثر با بدیش روزافزون آمریکا و گسترش برخورد‌های نظامی، تحت‌الزره‌گری با بدیش جنگ قطع شود ...

رژیم خمینی قبح فشا را کار عوامی چنانی و نافرمانی مردم و همچنین به واسطه وضع دشواری که بر اثر آدامه موکب باران شهرها بدان دچار شده بود، دعوت دبیرکل سازمان ملل برای انجمن گفتگو پیرامون مساله جنگ را پذیرفت و متعاقب آن نمایندگان ایران و عراق به طور جداگانه به دبیرکل ملاقات کردند ... اما این ملاقات‌ها هم به

صلح تنها با مبارزه ... بقیه از صفحه اول

اندون برتری هوایی و دریایی عراق، با تخفیف سر تا وزن در جبهه‌های جنگ زمینی به‌زیان جمهوری اسلامی تکمیل شده است ... شکست "فا" و صرف نظر از نتایج نظامی آن، یک بار دیگر ثابت کرد که رژیم خمینی توانائی تعرض و پیروزی نظامی بر عراق را نندارد و در تلاقی‌های جناحینکام نشان نشنا موجب کشتارها و ویرانی‌های بیشتر می‌شود ...

تشدید جنگ در جبهه‌ها با گسترش دامنه‌ها تشنج در خلیج فارس همرا ه بوده است ... حمله تجار و کارآرانه آمریکا به تاوها و تا سیات نفتی ایران، دامنه تشنج را به مرز خطرناکی رساند ... ریگان رئیس جمهور آمریکا، پس از عملیات مدافعانه و جناحینکام رانه‌ها این کشور در سخنانی خطاب به کنگره، جمهوری اسلامی را به عملیات انتقام‌جویانه بزرگ تری تهدید کرد ... میریالیسم آمریکا با استفا ده از جنگ و تشنج فریبی‌های رژیم خمینی، نقشه‌های خطرناک تری را طراحی کرده است ... هم‌اکنون ۱۳ واحد جنگی دیگر توسط آمریکا به سوی آب‌های خلیج گسیل شده است ... آمریکا ظاهرا به قصد تأمین امنیت کشتیرانی و مجبور ساختن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به این جناح و زارت گستاخانه دست می‌زند ... اما بین بیانه‌های پیش نیست ... این اعمال که ناقض ماده ۵ قطعنامه ۵۹۸ است، نه تنها به قطع جنبش نماند، بلکه وضعیت انفجاری خطرناک را بیشتر دامن می‌زند ...

هدف واقعی آمریکا، حضور بیش از پیش در خلیج فارس و داخله علیه نماغی خلق‌های منطقه است ... میا زده علیه‌ها نقشه‌ها یکتا رانه، وظیفه‌های انقلابی است ... آمریکا با اید زخلیج فارس خارج شود و وظیفه‌ها تأمین امنیت کشتیرانی را یک نیروی



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمباران شیمیایی حلبچه و کشتار تبهکارانه مردم شهرها را محکوم می کنیم!

بدمباران تاج و زنبورهای رژیم خمینی به خاک عراق و اشغال شهرگردنشین حلبچه، رژیم صدام دست به جنایت مخوفی زد و بیا بمباران شیمیایی این شهر، مسایقه جنایت با رژیم خمینی را با بعد دتا زهای بخشید...

عراق رژیم خمینی است این رژیم خمینی است که آتش بس و قطع جنگ را نمی پذیرد. اما این سیاست جنایتکارانه و توجها و زکرا نه رژیم خمینی به هیچ وجه نمی تواند بمباران و موشک باران شهرها را از جانب هر دو رژیم و هر گونه کاربرد سلاح شیمیایی به وسیله علیه غیرنظامیان را توجیه و تبرئه کند...

فدائیان خلق ایران با خشم و انزجار با این دمدنشی را محکوم می کنند و خود را در غم و در دبا زمانه گان آن شریک می دانند. اکنون سالهاست که در نتیجه مبارزه بشریست صلح دوست کار برسد سلاح های شیمیایی و کشتار مردم بی دفاع غیرنظامی به عنوان جنایت جنگی منع شده است...

دوروزیم جنایتکاران را که بمباران و عراق دشمن شما هستند، آنها از مبارزه با دلان شما در راه کسب حقوق ملی، آزادی و صلح و ترقی هراسانند و از آن نفرت دارند، خمینی تا اکنون دهها بار فریاد "قارتان" و "قله تان" را آفریده است و جدا مایمب شیمیایی و با ویران کردن شهرها و دهات گردستان عراق و بسا رژیم ایران به مسایقه جنایت دست زده است...

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با بردیگر به همه نیروهای ملی و دمکراتیک عراق که علیه رژیم جنایتکاران مبارزه می کنند درود می فرستد و همبستگی خود را با رژیم آنان در راه صلح و دمکراسی برای عراق اعلام می کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه دولت ها، مجامع بین المللی و مردم صلح دوست جها بی خواهد تا با اعمال فشا ریسردو رژیم ایران و عراق مانع از ادامه جنگ و تکرار جنایات جنگی شوند. ما با دیدیگر از فدائیان می خواهیم برای نجات مردم جگر سوخته ای که جنگ همه هستی ها را بر باد می دهد از جها قدامی فروگزار نکنند، ما از همه دولت ها و مجامع سیاسی و اجتماعی می خواهیم که با همکاران ما مبارزه را برای اجرای هر چه سریعتر قطع نموده ۵۹۸ شورای امنیت بکار گیرند.

مرگ برجنگ و جنایتکاران جنگی زنده صلح

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۵ فروردین ۱۳۶۷

"شورای فرهنگی" نهادی ارتجاعی علیه زنان

اخیرا طرح تشکیل "شورای فرهنگی و اجتماعی زنان"، در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. وظیفه مقدم این "شورا" آنچنانکه در موصییه آمده عبارت است از: ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت و تامین حقوق زنان.

ورزشی آنها می باشد. اگر شرایط با عنوان در جمهوری اسلامی چنین است، شورا از کدام امکانات سخن می گوید؟

مفکده آن است که شورا بعلی انقلاب فرهنگی به زعم خود با تشکیل یک چنین نهادی می خواهد شخصیت زن را "رشد" دهد و حقوقش را تامین کند. انهم در چارچوب نظامی که اساسا برای شخصیت زن و حقوق فردی و اجتماعی او و پیشروی ارزش قائل نیست. فقها زن را یک نیمه مرد می دانند. در تفکر ایشان زن حق کار بردارد و تحت سرپرستی مسردو "نقشه خوار و مالک" است، از نظر فکری "صغیر" و فاقد صلاحیت برای اجتماع و حقوقی است. فقها زن را از حق انتخاب همسر، حق طلاق، حق حضانت، حق انتخاب پوشش، بجز حجاب اسلامی، حق تحصیل در رشته دلخواه و بسیاری دیگر از حقوق فردی و اجتماعی محروم کرده اند. آیا شورای فرهنگی زنان جز بسا هدف دفاع از این بی حقوقی ایجاد شده است؟

زنان در دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فعالیتهای اجتماعی زنان ایران، خود و رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم دهها هزار زن شاغل را اخراج و به کنج خانه ها نشاند، تحصیل دختران را بسیاری از رشته های فنی و مهندسی را ممنوع کرده و حق فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از آنان گرفتار است. دوروزیم جمهوری اسلامی نیز البته زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می توانند فعالانه شرکت کنند. اما در فرهنگ جمهوری اسلامی، شرکت زنان در مراسم عزاداری قربانیان جنگی، بیگاری در مراکز بسنج و مساجد برای تهیه پوشاک و مواد غذایی مورد نیاز زوجهای "فعلی" اجتماع، کار در خانه و زندگی مفی، "فعلی" اقتصاد، همکاری با مراکز رنگارنگ جمهوری اسلامی برای "ارشاد" زنان غیرحزب الهی، "فعلی" فرهنگ، محسوب می شود.

دربنده، وظیفه رسیدگی به وضع زنان سرپرست و حمایت از آنها و بررسی وضعیت و شرایط شغلی با نوان به عهده شورا گذاشته شده است. اکنون نه تنها زنانی که همسرانشان به مرگ طبیعی بسا در اثر سانحه درگذشته اند، بلکه زنان قربانیان جنگی، همسران آنرا در اندامشان و زنده اند و بیای و عادی نیز که به دست جمهوری اسلامی سرپرست شده اند، در ردیف این گروه بزرگ اجتماعی قرار گرفته اند. رسیدگی جمهوری اسلامی به وضعیت این دسته از زنان بلادیه کشور ما، تبلیغ فحشای اسلامی برای امرار معاش و حداکثر آرا به شرح جدید "خود شغالی" بوده است. زنان در سایه مقررات و قوانین کار زنان در جمهوری اسلامی، شرایط دشواری دارند. امنیت شغلی ندارند، از حقوق مساوی در برابر کارمسا و جوانان آموزش فنی برخوردار نیستند. مادران شاغل با مشکل نگهداری کودکانشان دست به گریبانند. زنانی که از مساعیل دولتی برخوردارند، در اندامشان و زنده اند و بیای و عادی نیز که به دست جمهوری اسلامی سرپرست شده اند، در ردیف این گروه بزرگ اجتماعی قرار گرفته اند. رسیدگی جمهوری اسلامی به وضعیت این دسته از زنان بلادیه کشور ما، تبلیغ فحشای اسلامی برای امرار معاش و حداکثر آرا به شرح جدید "خود شغالی" بوده است. زنان در سایه مقررات و قوانین کار زنان در جمهوری اسلامی، شرایط دشواری دارند. امنیت شغلی ندارند، از حقوق مساوی در برابر کارمسا و جوانان آموزش فنی برخوردار نیستند. مادران شاغل با مشکل نگهداری کودکانشان دست به گریبانند. زنانی که از مساعیل دولتی برخوردارند، در اندامشان و زنده اند و بیای و عادی نیز که به دست جمهوری اسلامی سرپرست شده اند، در ردیف این گروه بزرگ اجتماعی قرار گرفته اند.

تا ندرستی های قانونی علیه حقوق آنان پیش می رفت؛ اما اینهمه یک چیز کم داشت و آن همانست که ارگان و رتبه حکومتی بوده که بتواند نقض برهبری فکری سازمانی و هماهنگ کننده در راه بطشه با این اقدامها ایفا کند. "شورا" همان نهاد موجود آوردن این نهاد برای جمهوری اسلامی

از راه ایجاد شدن مسائل زنان و فقدان یک مرکز واحد تصمیم گیری و هماهنگی عمل در برخورد با مسائل زنان، یک ضرورت بود. جمهوری اسلامی مدتهاست که ندریشه ایجاد چنین مرکزی را در سر دارد. نخست وزیر در مصاحبه ای با مجله "روز" شمسه ۱۵۸۸ (۶۴/۱۲/۱۰) گفته بود: "ما الان به طور ویژه مسائلی در ارتباط با زنان داریم که قابل بررسی ... به نظر می آید، جا و مرکزی که دوروزیم و شهرها دنبال مسائل مبتلابه اقشار مختلف زنان با شغالی است و ظاهر یک چنین سازمانی به شدت اساس می شود. هنوز پس از گذشت نزدیک به یک دهه از وجود هیئت جمهوری اسلامی، رژیم موفق به تکمیل احکام فقهی بر همه شئون زندگی اجتماعی نشده است، زیرا تحقیق آن تا حد زیادی و بیش از همه مستلزم تکمیل این احکام بر تها می شود. زنان زندگیشان را به طبعی سپرده اند. زنان بی سرپرست از نظر کمیت هر روز آسوده تر می شوند، دختران دانشجو و دانش آموزان شغل نداشته بسیاری در راه بطشه با تکمیل رتبه استاد و دانشجو دارند. زنان و خانوادها ی قربانیان جنگی با پند تحت نظارت و "موزش" مطمئن تری قرار داشته باشند با افتادن میزان تولیدات مستلزم بررسی و غشور بیشتری در عرصه مسائل خانوادگی و اجتماعی است. با افتادن میزان اعتیاد و خودکشی، هر یک به تنهایی یک زنگ خطر جرسند.

ترکیب عدم مکرراتیک "شورا" با هدف تشکیل آن همخوانی کامل دارد. ۱۳ نفر اعضای شورا که عبارتند از نمایین رئیس مجلس، حوزه علمیه قم، شورای انقلاب فرهنگی و وزارتخانه های مختلف جدرجهت سیاستهای جمهوری اسلامی در حق زنان کاری نخواهند کرد. سازمان "شورا" وابسته به شورا بعلی انقلاب فرهنگی یعنی "قوه چهارم" در جها معاد ایران است و یکی از خطوط اساسی وظیفش را "موضوعات فرهنگی مرتبط با وظایف عالی انقلاب فرهنگی" تشکیل می دهد. این امری تصادفی نیست. در تاریخ جمهوری اسلامی مبارزه علیه موجودیت و فعالیت زنان با "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی شروع شد. تابستان ۵۹، زمانی که نیروهای سیاسی مورد سرکوب خوین قرار گرفتند، مشیر حکومت اسلامی علیه زنان نیز بلند شد. فتوای حجاب اجباری خمینی همان سال ماردن و یک ششم هزار نفر از زنان کارمند همان سال ماردن نشین شدند. تکمیل احکام فقهی بر شئون زندگی اجتماعی در ایران مستلزم تکمیل این احکام بر شئون زندگی اجتماعی و فردی زنان نیز بوده و این خود، کار "فرهنگی" برداشته ای است. می گوییم، اما از آنجا که مقدرات "انقلاب فرهنگی" پیشرفت هر چه سریع تر این روند را ایجاب می کرد و نیز از این نظر که در حجاب کردن زنانی که با فرهنگ کار و فعالیت اجتماعی تربیت شده بودند، کار دشواری بود، بنابراین با پذیرفتن زور و تکمیل پیش می رفت و پیش رفت. اکنون اقدامات "نقض" در قالب سازمان این "شورا" بی گرفته می شود. در شرایط فعلی فعالیت با نوان سازمانی دمکراتیک و مترقی زنان، با نوانی محتوای ارتجاعی این نهاد ضرورتی مضاف کسب می کند.

از دیدیگرو وظایف شورا، طرح برنامهریزی برای استفاده دختران و بانوان از اوقات فراغت خود از طریق استفاده مناسب از وسایل و امکانات آموزشی، ورزشی، تفریحی، هنری و رسانه های گروهی و غیره است. صرفنظر از اینکه بسیاری از بخش های زیادی از وقت زنان در صفا با حجاب روزانه، وقت فراغتی برایشان نمی گذارد که با استفاده از آن به ورزش، تفریح و کارهای هنری بپردازند، بسر راه افتعلیتهای آموزشی زنان نیز هر روز موانع جدیدی ساخته می شود. امکانات ورزشی، تفریحی و هنری برای زنان تقریبا به صفر رسیده است. مثلا، جندی پیش، خانه های نمدیرکل ورزش بانوان ج.ا. اعلام کرده که: "بس از بزرگسالی فراوان و بسا توجه به امکانات و محدودیتهای که در سر راه ورزش دختران و بانوان قرار دارد، به این نتیجه رسیده ایم که بهترین و شایسته ترین راه توسعه و پیشرفت ورزش بانوان، این است که در خانه ورزش کنند... خانه امن ترین و مناسب ترین مکان برای تمرینات

آموزش مارکس جاودانه است

(یمناسبت ۱۷۰مین سالگرد تولد کارل مارکس)

۱۷۰ سال از زادروز کارل مارکس، انقلابی بزرگ، دانشمند و متفکر رنایسانس، رهبر و آموزگار کبیر طبقه کارگر جهانی می‌گذرد.

۱۴۰ سال است که نام او اندیشه‌ها را در برچشمه‌های میلیونها انسان شایسته عدالت و سروری انسان، بر درفش سرخ میلیونها کارگر و رنجور در جهان مآتش بسته است. نزدیک به یک سده و نیم است که تمام طبقات و نیروهای ارتجاعی در "آسمان" و زمین، همه آنان که چشم به حفظ نظام مآتش - استثمار و جهل و ستم دوخته اند، "جهاد مقدس" را علیه ما رکس و آموزش او اعلام کرده اند. در تاریخ بشریت، جز ما رکسیم، هیچ آسمان‌سوز دیگری بلافاصله پس از پیدایش خود، چنین نبردهای گسترده و وسیع میان دشمنان و حامیانش برپا نکرده است. نه قانوق فدوسیالیستی بیسما رک ها، نه تازیانه و شمشیر تزارها، نه گورهای آدم‌سوزی قانقیم، نه جفا آسا نی با وفاقی، نه بیکارهایی ما ن آیدولوژیک تمام دنیای کهن، نتوانسته است از سوخ دمافزون آموزش مارکس در اندیشه و قلبهای توده ها جلوگیری د.

زیرا ما رکس برخلاف بشر دوستان شریک و خیال پرداز همجون شارل فوریه برای برقراری عدالت و نابودی استثمار و شکوفایی انسان، بیسه انسان دوستی سرمایه داران دل نیست، بعدا میان ناپلئون ها، ملکه ویکتوریا ها، امپراتوران روسیه و اشراف نیای وخت. زیرا ما رکس به اخلاق مجرد به انسان دوستی خیال پرداز توده سوسیالیسم تخیلی امید نیست. او نجات بشر را، نه در عرش بلکه در خون زمین و توسط خود استعمارشوندگان حست و با تلاشی عظیم و بی‌زوهی نیوغ آسا در تمام تمدن مادی و معنوی انسان، در تمام عرصه های علم، از فلسفه ستان گرفته تا کشفیات داروین، از تاریخ جوامع کهن تا ریاضیات، قوانین تکامل جامعه و انسانیت را شناخت و نشان داد که این جامعه را نه در جزایر دور دست خیا ل، نه در "شهر آفتاب" افسانه ای و نه در دین مبنای فلسفه "حکما" و "سلاطین فرامسند" بلکه در همین گوی و شهر به دست خود انسانهای انیسوه سر بر خاوه کشید.

ما رکس با کاشی عظیم در تاریخ و بودتک تسک سلولهای جامعه سرمایه داری، قوانین اساسی حاکم بر آن را کشف کرد و آنکه سرمایه داری در دوران شباب و قدرت روز افزون بودولاف جاودانگی می زد، او با دقتی شگرف، محکومیت و انقراض و فروپاشی آن را نشان داد و آنکه طبقه کارگر، نیروی اندک شاری بود، او در سیمای این طبقه، برخلاف سوسیالیست های تخیلی، نه افراد تیره روز و بیان ترجم بلکه نیروی پیشتا زجا همه آسانی آیدند را نشان داد. از این رویداد کهن نکتة مهم در آموزش مارکس را توده ها چون نگین نقش تاریخی - جهان پرولتاریا به ما بنا به فریدگار جامعه سوسیالیستی می دانست.

ما رکس دانشمندی بزرگ بود. ولی در دانش ما رکس، جدائی میان تئوری و پراکتیک بروداست. در آموزش او، تئوری مجردا ز پراکتیک، تئوری بی بنیاد از مومن و محک عمل، با قدمقیوم است، علم نیروی انقلابی است که در خدمت پراکتیک درگونی و انقلاب عمل می کند. دانش او نه فقط برای تفسیر جهان بلکه برای تغییر آن است. فلسفه او، دانش او انقلابی است. از این نظر برخلاف "ما رکس ناسان" بورژوازی، "ما رکس دانشمند" و تمام تارویسود آن، با "ما رکس انقلابی" در هم تنیده اند. بسدهون شکرک ما رکس در پراکتیک مبارزه طبقاتی، ما رکس دانشمندی وجود نمی داشت. سخن گفتن از ما رکس دانشمند، مجردا ز ما رکس انقلابی، بروداست. او که رسالت فلسفه تغییر جهان می دانست، در دوران خویش به ما بنا به رهبر جنبش بین المللی طبقه کارگر، هستی خویش را وقف این مبارزه گرد و تبعید و فشار فقر و تنگدستی و... او را از این امر مقدس تاریخی باز نداشت. رسالت واقعی ما رکس عبارت بود از کمک برای نابود شدن سرنگونی سرمایه داری و بنیادهای دولتی که به وجود آمده است. همکاری در زمینه رها ئی پرولتاریای معاصر، که خود بیش از هر کس دیگری در مورد وضع خاص، در مورد دنیا زها یسش و شرایط رها ئی ش، آگاه و آماده بود. مبارزه و خوی و بود، او با شیطکی، روشن بینی و بی پروایی بی سدهی زمیید که به ندرت می توان سراغ داشت.

چنین است تصویر که انگلس در خطابه سر بر آرمگا ه او در توضیح این جنبه از کارا کتر ما رکس بیان کرد.

آموزش ما رکس، انگلس، آیه های آسمانی نبودند که به یک جا و به یک باره نازل گردند، ویسا عبادت و نیوا "اشراقی" "حادث" شوند. آموزش مارکس شمرنگش علمی، تفحص سخت کوشانه، زاده بروکسور دیا لکتیکی به پدیدده های طبیعت، جامعه و تفکسر، و محصل شرکت شخص در پراکتیک انقلابی بود. او با هر شکست و پیروزی انقلابات و با هر اوج و فروز جنبش، با هر تحولی در جامعه و در مبارزه طبقاتی، با هر کشف علمی و هر دستاورد دانش بشر، آموزش خویش را غنی تر می ساخت و بر برای آن می افزود. او روند جنبش انقلابی را در همه کشورها، به دقت تعقیب می کرد و تا

آ خر عمر چنین بود. چنین دقتی - که ضرورت علم است - موافق و بر برای تکامل تئوری را فراهم می ساخت. او تجربه انقلابات بورژوازی اروپا (۱۸۴۹-۱۸۴۸) تکامل تئوری مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی، ایده یکتا توری پرولتاریا، تا کتیک پرولتاریا در انقلاب بورژوازی و ضرورت آنجا در پرولتاریا با هدف ناکار استنتاج نمود. (مبارزه طبقاتی در فرانسه ۱۸۵۰-۱۸۴۸) رخداد های دوره بنا بر ت ضرورت در کردن دستک دولتی بورژوازی را به او موخت (۱۸ پرولتوئی پنا پارت) در اثر خود به نام "جنگ داخلی در فرانسه" تجارب کمون را و زمانه را جمع بندی کرد. در "نقد برنامه گوتا" تئوری کمونیزم علمی را تکامل داد و...

برای ما رکس و همزمان مدارش، انگلس، عینیت منبع آموزش بود. ما رکس با کتیک علمی شگفتی پیشرفت علوم را تعقیب می کرد. زیرا "علم برای ما رکس نیروی بود که تاریخ را پیش می برد. نیروی انقلابی بود. هر چند در هنگام دست یابی به کشفی در یکی از علوم ثنوریک - ولو با امکان محدود، تطبیق علمی - ضروری تا به اودست می داد، ولی سرور او زمانی که ما کل می بود که حرف بر سر کشفی با پیا مدا انقلابی بلافاصله برای صنعت، یا به طور عموم برای انکشاف تاریخی می بود. بدین ترتیب ما رکس با توجه خاصی به پیشرفت ها و کشفیات در عرصه یق و در این او خرابه کارهای مارسل دپرز می نگریست. زیرا که ما رکس بیش از هر چیز یک انقلابی بود." (از خطابه انگلس بر سر آرمگا ه ما رکس).

ما رکس هرگز به پیشرفت های خود بسنده نمی کرد. برای آنان از روش مطلق قائل نبود و آنان را تکامل پذیر نمی دانست. انگلس در "آنتی دیالکتیک" تصریح کرد که: "تا چه حد تا ریخ جهان هنوز جوان است و تا چه اندازه زنده است و راست که ما برای پیش های کنونی خویش ارزش مطلق قائل شویم." ما رکس و انگلس مطلق کردن بینش های خویش را به ما استنزا می گرفتند. زیرا آنان بسا وقوف بر دیا لکتیک تغییر، تحول و تکامل عینی درون خود پدیدده ها، با اسلوب برخورد دیا لکتیکی به جهان واقفا موجود، نیک می دانستند که اگر به تعاریف برای علم از مشندند، ولی "تنها تعریف واقعی (یک پدیدده) تکامل و گسترش خود را پدیدده است" ما رکس با توجه به نسبت تاریخی تنا ریسی و مقولات، در "روما ه" تصریح کرد که: "مجرد ترین تعاریف، اگر تا ریخ ما مورد یک بررسی دقیق و تفصیلی قرار دهیم، همیشه دارای یک یا به مشخص تاریخی است و این ماه طبیعی است زیرا تعاریف درون این تاریخ معین استنتاج شده اند." جز بیتی، بینش ما تریا لیستی دیا لکتیکی، آنکه به علم و آشتی نا پذیر با هر گونه تغییرات تاریخی نشوری علمی، او بزرگی های با ارزش کارل مارکس است. از دیدگاه او، علم در ذات خویش انقلابی است. در پیش ما رکس "شیاء" روابط متقابل آنها به ما بنا به مورثا سده کرد نمی شوند، بلکه به متغیرند. لذا با زتاب دماغی آنها، یعنی ما هیم (با مقولات) نیر تا ع تطو ر و تغییرند. در چنین شرایطی، آنها در یک سلسله تعاریف جامد جسای نمی گیرند، بلکه بر حسب روند تاریخی یا منطقی شکل گیری خود، تحول و گسترش می یابند.

بینش ما رکسیستی با چنین اسلوب نگارش نه تنها در عرصه علم جامعه شناسی، بلکه حتی در عرصه علوم طبیعی نیز آهنگاری تفکر و پراکتیک انسان است. بینش ما رکسیستی به ما بنا به علم یا به بیسی تحول و تکامل خود پدیدده ها، تکامل می یابد. علم در آن صورت علمی قبی خواهد ما ندکه از تکامل باز نایستد و ما رکسیم نیز به ما به یک علم - علم تغییر جهان و جهان بینی طبقه کارگر - در صورتی به ما به مشعل راه های طبقه پیشرو بشریت عمل خواهد کرد که همواره چنین انعطاف و تکامل را طی کند. ما رکسیم برخلاف آموزش های دیگر تا ریخ بشر از آن روحا ودا نه است که هرگز او را بر نشود و تکامل خویش نیست است. از این نظرات است که بنیاد گذاران جهان بینی طبقه کارگر، همواره تا کید می کرده اند که: از همان هنگام که سوسیالیسم به علم بدل شده است، با پیدای آن همچون علم بر خورده شود، او ز تبدیل شدن آن به آیات الهی اجتناب شود. بنیاد است فرما ن دیا لکتیک ما تریا لیستی که طبقه کارگر پیشرو بشری و جز در روشنا ئی آن در میدان های نبرد، با در بی پیکار نیست.

ما رکس و انگلس و لنین همواره و در هر فرصت، جنبش کمونیستی را از مطلق تاریخی بر جدا شده و مخالف سرخوش تبدیل تئوری ها حتی تکامل - یا فته ترین آنان به "کورس نامه ای" و "لغت معنی جامد" بودند. ما رکس در برخورد با "ما رکسیست های فرانسوی سالهای ۷۰ قرن نوزده - که اندیشه های او را به آیات آسمانی بسند می کردند - با صراحت نوشت: "تنها چیزی که من در مورد خود می دانم این است که من کمونیست نیستم" (انگلس) بنا به ما، دربار ما تریا لیسم تا ریخی. هر چند که دشمنان ما رکسیم، این عبارت را به عنوان

با زکشت ما رکس از آموزش خویش و نمود می ماند، ولی واقفیت آن است که ما رکس در این جلسه، دشمنی خود را با آن "ما رکسیسم" بیانی می کند که بر تکامل نا پذیر و جزم گرائی استوار است. زیرا از نظر بنیان گذاران ما رکسیم - لنیتسیم، عدم درک جهان تغییر یافته، عدم توجه به شرایط مشخص، عدم برخورد دیا لکتیکی به پدیدده ها و تبدیل تئوری علمی به آفات آسمانی، در تنا فد علمیت و به دیگر سخن در تنا فد ما بنا به طبقه کارگر قرار د. زیرا تضعیف اسلوب دیا لکتیکی، در غلظت بنیاد ما تریا لیسم ما بنا به، دشنگر آئی، بیرونی و بیسیسم و دکما تیسیم ریویزیونیسم است. و سرانجام به جدا ئی تئوری و پراکتیک و عدم درک انقلاب می انجامد. لنین در اثر خود به نام "درباره بر خسیازی" خصوصیات تکامل تاریخی ما رکسیم نوشت:

"انگلس در خصوص خود دوست شهرش چنین می گوید: آموزش ما دکم نیست و رهنمای عمل است. در این اصل کلاسیک، آن جنبه ای از ما رکسیم که کلاسیک از نظر دور می دارند... خاطر نشان گردیده است و ما از نظر دور می دارند... خاطر نشان گردیده است و ما یک طرفی، زشت و بی روح تبدیل می کنیم، عصاره حیاتی آن را می کشیم، برکن اساسی تئوریک آن را یعنی دیا لکتیک یا آموزش مربوط به تکامل مسائل تاریخی جامع اطراف و مشاغل از تنفا در ما منهدم می آیم، و ارتباط آن را با وظایف عملی زمانه که در هر جرخش تاریخی تغییر پذیرند، قطع می نما ئیم."

تنها ما تریا لیست ها، ما رکسیم، سرشار از چنین محتوای است و جنبه ای است جوهره حیاتی وراز مرگ نا پذیر آن آموزش ما رکس، انگلس و لنیتسیم. به جهت نیست که اندیشه برداران ما رکسیم و زوی خرد بورژوازی مدا در تلاشند تا با اشکال مختلف علمیت، روح خلاق و پویا، به هم پیوستگی ارگانیک و پیکار روحی آموزش ما رکس را تخطئه کنند. از این رو است که ما رکس در دوران حیات خود - آن چنان که انگلس می گفت - مورد بهتان ترین فرد عرصه خود بود. پس از زنگشتن تا کنون، اندیشه برداران ما رکسیم به جهل، در سیمای فیلسوف، اقتصاددان، جامعه شناس، سیاستمدار، کشیش و آخوند، برای ما هم شکستن این پویا ئی، شمشیر از نیما بر کشیده اند، بنا به این روح انقلابی پیکار میکنند. شوک نیز جمله هر یک از آنها، متوجه دیا لکتیک آموزش ما رکس است. در سیمای است که برخی از این اندیشمندان، ما رکسیم را تنها دقتی، تحمیلی گفته شده، متعلق به

اروپای نیمه دوم قرن نوزده جلوه می دهند که گویا دیگر در شرایط متحول کنونی فاقد موقعیت است، برخی دیگر با کتف "تنفا و تنها خویش بنا قضا ئی میان آثار ما رکس " جوان" و ما رکس " پیر"، میان آثار ما رکس و انگلس، میان آن دو لنیتسیم و میان آثار خود لنین، فریاد بر می آورند که ما رکسیم لنیتسیم نه یک سیستم علمی، بلکه مجموعه مغشوش فرضیات است. در تنا قض با علم و منطق بشری، تلاش همه دشمنان سؤگند خود و وفا قل نمای ما رکسیم در حمله به علمیت آن است، برخی برای تبدیل آن به دکم های آسمانی می گویند و برخی برای آن چنان "نواوری و "تکاملی" ستیجاک می دهند که در آن رابطه نواوری و تنفا، و ما بنا به تنفا ما بنا به ما، گسته شود. این بخش از ایدئولوگ های بورژوازی خرد بورژوازی شسی خوا هان تغییر و تخریب بنیادهای علمی آزوده شده آموزش ما رکس، خوا هان نواوری در آن بدون اشکا به بینش ما رکسیستی اند. هدف و شمره هر دو طرف یک جزا ست: تنفی ساختن ما رکسیم از علمیت، بیکار حوش و پویایی و خلق سلاطین کارگر در میدان های نبرد. آنها هر چند ما رکسیم را به ما بنا به ضد علم و پویایی معرفی می کنند، ولی خود نیک می دانند که اگر ما بنا به هدف ضربت علمی قرار داد، آنها می دانند که هم در صورت برخورد دکما تیک به آموزش ما رکس و انگلس و لنین و کار پر دقاسی آن در شرایط مشخص هم در صورت "تکامل" آن بدون اشکا به دیا لکتیک ما تریا لیستی و جز بیتی، این آموزش به آموزش بی آری بدل خواهد شد.

سیمای جهان اکنون با آنچه گسه در دوران ما رکس بود، متفا وت است، با انقلاب کبیر سوسیالیستی کتیر، جهان را وارد دوران نوینی از تکامل تاریخی خود کرده است. یک سده و نیم اخیر تا ریخ بشر نشان داده است که جهان در آن مستثنی پیش می رود که ما رکس پیش بینی می کرد. پراکتیک به ما بنا به محک اندیشه و میدان آزمون، صحت احکام بنیادین ما رکس بیرو مونسیت تاریخی حرکت سرمایه داری و آختمان سوسیالیسم را نشان داده است. پراکتیک انقلابی در آن پس از ما رکس، نشان داده است که هر آنگاه و هر گاه که کمونیست ها به این آموزش وفا دار ما ندند، پویا و خلاق به کارش گرفتند، مبارزه در راه آنها، مکهن و آختمان نو، به کام می آید. آنجا میدوه آنجا گسه پای بندی به آن ست گردید، هر آنگاه که در شناخت دیا لکتیکی جهان، جامعه، طبقات، عین و ذهن، قشور شد، ناگامی به با را آمد.

کار ما بنا به ما ساله ما رکسیم نشان داد که آموزش ما رکس سررا از قدرت حیا ت و با لنیتسمی، سررا را جاذبه و نیرو است. نیروی که از علمیت و حقا نت آن سرچشمه می گیرد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت

اول ماه مه (روز کارگر)

منحل گردتا راه تحمیل شکل های فرمایشی اش هوام شود. علیه مدا خله دولت و کار فرمایان در انتخاب شما بندگان کارگری، مبارزه کنید. قانون کار باید حق شما کارگران را در تشکیل آزاده نه شکل های صنفی به رسمیت بشناسد.

قانون کار را سلامی ضمن محروم کردن شما از حق اعتصاب، دست دولت را در سرکوب اعتصاب کارگری با زکذا شده و آن را قانونیت بخشیده است. قانون کار باید حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و عوامل کارفرما حق انتقال مجبوری از اعتصاب بیون راه هیچ صورت اعماز تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره ندارند. برای تامین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم خمینی در قانون کار سلامی خسود، انجمن های اسلامی را نیز به مثابه شکل کارگری معرفی نموده و سعی دارد این ارگان پلیسوسی و اطلاعاتی خود را به توده کارگران تحمیل کند. گنجاندن انجمن های اسلامی در فصل مربوط به شکل های کارگری، اهان ت آشکاره کارگران است. برای انحلال این لانه های جاسوسی وابگزار سرکوب مبارزه کنید.

کارگران پیشرو و آگاه! بسیج توده های کارگران حول مطالبات اساسی و مبارز صنفی و سیاسی، از مهم ترین وظایف شما است. هسته های مخفی کارگری راه ویژه دروا حدهای مهم صنعتی سازمان دهدوا همگانا علفنی موجود استقا ده کنید. موثرترین حلقه بسیج توده های کارگران علیه قانون کار سلامی، افشا ماه ۲۷ آن است. همچنین، افشاکاری علیه پامال شدن حق ایجاد شکل صنفی مستقل در قانون کار سلامی و مبارزه برای برگزاری انتخابات آزادانه برای ایجاد شکل های صنفی مستقل، یکی از مهم ترین حلقه ها در بسیج توده های کارگران علیه قانون کار سلامی و است.

کارگران مبارز و آگاه! رژیم خودکامه ولایت فقیه پامال سرمایه داری و حامی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است. سرمایه داری سرچشمه استثمار وستم، فقر و فلاکت، گران و بیگاری، جنگ و بیخامنیا است. جشن اول ماه مه، بیانگر عزیمت مبارزه اراده ستوار روزم پیگیری تان تا نابودی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم در میهن ما است. جشن اول ماه مه را هرچه پرشورتر و بیگرا رکنید، از مبارزات دیگر طبقات و اقشار خلق علیه رژیم جمهوری اسلامی و مبارزات بسیج توده های کارگری، مبارزه در راه صلح، آزادی و سرتنگونی رژیم ولایت فقیه راه دست بگیرید.

برای تحکیم همبستگی طبقاتی خود، برای تامین اتحاد رزمنده با دیگر نیروها و اقشار طبقه، برای گسترش پیوندهای اشتراکی سوتنا لیستی طبقه کارگر، برای سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق آزما تهای انقلابی و تاریخی طبقه کارگر، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است.

گرامی باد اول ماه مه (روز کارگر) زنده باد طبقه کارگر ایران - زنده باد سوسیالیسم

پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱ اردیبهشت ۱۳۶۷

پشتیبانی کنید. کارگران و زحمتکشان! امسال نیز جشن اول ماه مه در میهن ما در شرایط خاصه با راه جنگ خانما نوز ایران و عراق برگزار می شود. در شرایطی که رژیم تبهکار خمینی و صدام با بمباران و موشکباران شهرها، به مسابقه گشتا مردمی دفاع ایران و عراق، با عبادت بهای زیادی داده اند.

امتناع رژیم خمینی از پذیرش آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، مهم ترین عامل ادامه این جنگ جنایتکارانه و پراگانرا است. بهار اصلی این جنگ بردوش شما کارگران و زحمتکشان است. رژیم خمینی فرزندان شما را هزار باره کام مرگ می فرستد. دسترنج شما را غارت می کند. بیگاری، گران و آوارگی را نصیب شما زحمتکشان می کند. جنگ هرچه بیشتر ادامه یابد، مواضع امپریالیستی ها و انحصارات غارتگر بین المللی بیشتر تقویت می شود و فلاکت بیشتر نصیب شما زحمتکشان میگردد. برای قطع بیدرتک جنگ، برای برقراری بی قید و شرط آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبارزه کنید. به "جها دجانی و مالی" تن ندهید. دامنه اعتراض علیه جنگ و جنگ آفریزان را گسترش دهید. مبارزه در راه صلح را تشدید کنید.

رژیم خمینی با بهای گسترش جنایتات جنگی اش، آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را دمنشانه پامال می کند. ترور و اختناق، شکنجه و عداوت زندانیان، بیگرا سرکوب سازمان های، انحلال نهادها و شوراهای، سرکوب اعتصاب های کارگری، سانسور مطبوعات، تفتیش عقاید، تبعیض، اجحاف و تمحیلات ارتجاعی علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی، سرکوب و گشتا ر خلق کرده و تشدید ستم علیه دیگر خلقها، سیاه های زکارنا ه سنگین این رژیم آزادی کش مردم ستیز است. رژیم خمینی تجلی استبداد مطلقه فقیهه است. شما کارگران و زحمتکشان نه تنها قربانیان اصلی استبداد فقیه، بلکه رزمندگان صف مقدم بیگرا علیه ولایت فقیه نیز هستید. رژیم خودکامه خمینی، بیش از هر چیز و طغیان شما بیسم دارد.

علیه فخران و سرکوب، علیه رژیم خودکامه ولایت فقیه، به خاطر آزادی مبارزه کنید. برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید. برای آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب، حق ایجاد دویا عنویت در شکل های سیاسی و دموکراتیک و تامین آزادی های سیاسی برای همه مردم، متحد و پیگیر مبارزه کنید. صلح و دموکراسی عاجزترین نیاز رژیم ترین خواست شما است. کارگران مبارز!

رژیم خمینی در قانون کار سلامی خسود، اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی تان را پامال کرده است. قانون کار سلامی رژیم، حق کاررو امنیت شغلی کارگران را اساسا نقض کرده و دست کارفرما را در اخراج کارگر، کاملا باز گذاشته است. ماه ۲۷ قانون کار سلامی به مراتب ارتجاعی تر از ماه ۳۳ قانون کار زمان شاه است. همچنان که برای لغو ماه ۲۷ قانون کار شاه با خاستید، برای لغو این ماه دوپایان دادن به اخراج های خودسرا نه نیز مشکل شوید و مبارزه کنید.

رژیم جمهوری اسلامی همچنین، شما را از حق ایجاد شکل های صنفی مستقل تان محروم کرده است. رژیم، سندیکاها و شوراهای تان را سرکوب و

کارگران مبارز! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با پرشورترین درودها، اول ماه مه - ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به شما رزمندگان بیگیرا ه استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم شادباش می گوید. عید همبستگی رنجبران جهان به همه کسانیکه نیروی کار را ندیده خود را برای ساختن فردا تی روشن و سعادتمند برای بشریت به کار میگیرند، مبارک باد!

کارگران و زحمتکشان! امسال اول ماه مه در جهان، در شرایطی برگزار می شود که در برتبهکار رجدان ه همه نیروهای صلح دوست جهان، بویژه کشورهای سوسیالیستی، برای نخستین بار روزنهای امیدبخش در مقابل بشریت برای زیستن در جهانی عاری از سلطه و استبداد پدیدار شده است. در عین حال، طرح تبهکارانه ای نظری می گردن و تدارک جنگ جهانی توسط امپریالیسم آمریکا، متوقف نشده و صلح جهانی همچنان در معرض تهدید قرار دارد. کارگران و زحمتکشان جهان که حفظ صلح جهانی را رسالت مبرم خود می دانند، همراه دیگر نیروهای صلح دوست در مبارزه برای کسب پیروزی های بزرگ تر و آزیبسن بردن خطر جنگ هسته ای و بیبریزی جهانی برای از سلاهی هسته ای بیگرا خود را تداوم می دهند.

در کشورهای سوسیالیستی که کامیست از آن کارگران و زحمتکشان است، جشن اول ماه مه همچنین جلوه گاه دستا ودهای نوین درکشلف و به کارگزاران امکانا و ظرفیت های واقعی سوسیالیسم است. روند نوسازی دریک رشتبه از کشورهای سوسیالیستی به ویژه در اتحاد شوروی، که در برتوشعمیق و شکوفا تی دموکراسی سوسیالیستی و رفرفهای رادیکال اقتصاد جریا ن دارد، ایده های پیشرو تاز تری را در دل زحمتکشان جهان و همه نیروهای ترقیخواه برانگیخته است. این روندها نه تنها همپاری و همبستگی برادرانه کشورهای سوسیالیستی را تحکیم می کند، بلکه راه گشایی بپره گیری وسیع تر از امکانا ت همگاری با دیگر کشورهای است. اول ماه مه در جهان سوسیالیسم، تجلی گسترده ترین عرصه های همبستگی است؛ همبستگی سوسیالیستی، همگاری، همپاری و تلاش مشترک در جهت اهداف و نیاهای مبرم عموم بشری.

در جهان سرمایه داری، درفش اول ماه مه، به نشانه همبستگی کارگران و زحمتکشان در بیگرا برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، علیه سرمایه داری و انحصارات، استثمار و غارت، جنگ و تبعیض، به هزار باره می آید و صفوف رزمجویانه توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان تحت رهبری اتحادیه های کارگری و احزاب کمونیست زیر این پرچم فشرده ترمی شود.

کارگران و زحمتکشان ایران! اول ماه مه روز تحکیم میثاق همبستگی شما با کارگران و زحمتکشان اسرار جهان است. شما در مبارزه به خاطر صلح و ایجاد جهانی عاری از سلطه و استبداد، در مبارزه علیه سلطه جوئی و جهانخسوارگی امپریالیستی و تمامی مظاهر نوا ستم خاری، صهیونیسم، نژادپرستی و تبعیض ستم ملی و اجتماعی با وروهم سنگر کارگران و زحمتکشان جها نید. در این بیگرا رشا فتمندانه هرچه مصمم تر و موثرتر مبارزت کنید. از جنبشهای رهان بخش و نهاد مپریالیستی خلقها، به ویژه خلقهای فلسطین و آفریقای جنوبی و از مبارزات عادلانه افغانستان انقلابی و نیکار آگوته، علیه دسایس امپریالیسم و ارتجاع

کارگران مبارز! حق اعتصاب، یکی از حقوق اساسی کارگران است. کارگران حق دارند در صورت پامال شدن حقوق صنفی شان از جانب کارفرما، با توسل به اعتصاب از حقوق خود دفاع کنند. در قانون کار سلامی، به جای حق اعتصاب کارگران، "حق" دولت در سرکوب اعتصاب به رسمیت شناخته شده است. مواد ۱۷، ۱۸، ۱۴۳ و ۱۴۷ قانون کار سلامی، دستور رژیم را در سلب امنیت قضائی کارگران و نقض حقوق دموکراتیک و آزادی های سندیکا تی، کاملا بساز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و عوامل کارفرما حق انتقام مجبوی از اعتصاب بیون به هیچ صورت اعماز تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره ندارند و تنها محقق کارگران اعتصابی در مدت اعتصاب نیز با دیده آشا برداخت گردد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز و شریف! تنها سلاح شما در برابر سرمایه داران، اتحاد شماست. رژیم جمهوری اسلامی در قانون کار خود دسایس بند (ب) تبصره ماه ۱۳۳، بند (ب) تبصره ماه ۱۳۴، تبصره ماه ۱۳۶ و ماه ۱۳۸ حق شما را در ایجاد شکل صنفی مستقل پامال کرده است. رژیم، سندیکاها و شوراهای شما را سرکوب کردتا راه تحمیل شکل های فرمایشی اش هوامر شود. تدوین "آیین نامه انتخابات" و تهیه و تصویب اساسنامه تشکیلات کارگری، حق خودکارگران است نه وزارت کار و ارگان های دولتی دیگر. علیه مدا خله دولت و کارفرما در انتخاب نمایندگان و در ادامه شکل های صنفی کارگری، مبارزه کنید. قانون کار باید حق برخورداری کارگران از شکل صنفی مستقل را به رسمیت بشناسد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



کارگران زن، محرومترین بخش طبقه کارگر

تا آنجا که به موازین شرعی و حقوقی ولایت فقیه در مورد کار زنان برمی گردد، زنان از حق کار محرومند. اکنون سالهاست که از استخدام زنان در بسیاری از موسسات دولتی از جمله موسسات تحت پوشش سازمان صنایع ملی جلوگیری شده و زنان شاغل در این موسسات اولین قربانیان اخراج بوده اند. به نوشته نشریه زن روز ۳۱ مرداد ماه عملکرد سال ۶۴ مراکز کارهای کل کشور نشان می دهد که از میان متقاضیان کسبه موسسات و ادارات مختلف معرفی شده اند ۹۴٪ مرد و تنها ۶٪ زن بوده اند.

کارشان طولانی است. دستمزدهایشان ناچیز است و بیمه نیستند. در این واحدها برخاسته از مزایای سابقه شغلی، مهارت، استخداه از مرخصی، آموزش فنی و امکان ارتقاء شغلی محرومی اند. زن را و دختران شاغل در این بخش ها در شرایط بی حقوقی کامل استعمار می شوند. صرف نظر از همه اینها کار در این کارگاه ها در مقایسه با موسسات بزرگ دولتی به تخصص و مهارت فنی چندانی نیاز ندارد و غیره و بیست و به شمار می آید.

سطح اشتغال آنان در جامعه ما به قدری ناچیز است مثلا در بلژیک ۸۱٪ از نیروی کار زنان در صنایع رشته و به طور عمده در بخش خدمات به کار گرفته می شود در فرانسه در قاطعاً سالهای ۱۹۶۸-۱۹۸۰ سهم زنان در بین کارگران متخصص از ۱۶٪ به ۱۱٪ کاهش یافته است. در حالی که در میان زنان در بین کارگران غیر متخصص از ۲۳٪ به ۲۸٪ افزایش یافته است. با این همه زنان شاغل و در آن میان زنان کارگر در کشور ما نه تنها از امکانات دولتی و نه به شمار می آید بلکه با خودکامی و ستمیک رژیم قرون وسطایی نیز دست به گریبانند. رژیم هر چه که بتواند آنان را از محیط های کار بر بیرون می زند تا هم مقررات شرعی در مورد کار زنان را اعمال کرده باشد و هم بخشی از خیل بیکاران مرد را که هنوز در جامعه ایران ستمون اقتصاد خانوادگی به شمار می آید، جای گزین آنان سازد.

نیز حق بهره وری دریافت داشتند. کارگران شرکت چند بخش خود را بران، مبارزه وسیعی برای دریافت با داش کار را پیش بردند. کارگران شرکت ساختمانی سندج "هرمود" در خرداد ۶۶ برای افزایش دستمزد، دست به اعتراض وسیع زده و موفق به تحقق خواست خود شدند. فروردین ۶۶، رانندگان کامیون با پیوستن به اعتصاب وسیعی سازمان دادند. در خرداد و تیرماه، کوره پزخانه های بوکان، ارومیه، کنگا و تبریز، ملایر و خوی دست به اعتصاب زدند و موفق شدند خواست خود را متحقق کنند. عمده خواست آنان، افزایش دستمزد بود. کارگران شرکت تاور اوز، اعتصاب در دوره های علیه عدم پرداخت حقوق بیمه کارگران از طرف کارفرما به ادا در بیمه صورت دادند. خواست آنان: ۱- بیمه کردن همه کارگران شرکت. ۲- پرداخت به موقع دستمزد کارگران. ۳- پرداخت حقوق خستگی کار.

مبارزات یکساله اخیر بی سابقه بوده و بسیاری از مبارزات، نکته قابل توجه دیگر این اعتبار با این بود که کارگران فصلی کشت صنعت نیز با تأثیر پذیری از سایر کارگران، فعالانه به اعتصاب پیوسته و حتی در مرکز جنبش قرا گرفتند. انگیزه اولیه اعتصاب، تبعیض در پرداختن بازنه های خود بود. کارگران خواهشهای خود را در ۱۵ ماده اعلام کردند که: برکناری هیأت مدیره شرکت، تشکیل شورای کارگری، روشن شدن وضعیت مزد و پرداختن کارگران، تبدیل کارگران موقت (فصلی) به دائم، اجرای طرح طبقه بندی شاغل و ...

علاوه بر کارگران و کارکنان زن آوازی از موسسات دولتی و دختران جوان نسبت به جنگ هر روز شام راجیدی از زنان را به گروهی سرپرستان ملحق می کنند که برای تأمین زندگی خود فرزندانی را تحت تأثیر ارشادات حکومت به فحشاء کشیده شوند، مجبور به کار در همین کارگاه های کوچک بخش خصوصی اند. بسیاری از همسران زندانیان سیاسی و عادی نیز از گریز از کار در ایمن مراکزند.

اعتراض کارگران راه آهن کرج به تغییر خط انتقال آنان از محل زندگی به سرکار، و اعتراض کارگران ماشین سازی خاورد و در مهرماه ۶۶، علیه عدم اجرای طبقه بندی شاغل و افزایش ساعات کاری صورت گرفت. از دیگر اعتراضات می توان به اعتراض در خانه بستن، لایف و کشت، صنعت کارون و کشتی سازی خلیج فارس رانا برد. اعتصاب پیروزمند سیزده هزار کارگر در کارخانجات کشتی ملی، مهم ترین اعتصاب کارگری سال ۶۶ بود. این اعتصاب علیه افزایش ساعت کار، صورت گرفت. کارگران به طور کلی رجه دست از کار کشیدند و در روز دوم اعتصاب را به شکل راهپیمایی و شعار به اوج کشیدند. روز دوم، وزارت کسارو مدیریت در مقابل ایستادگی و یکپارچگی کارگران، مجبور به عقب نشینی شدند و اعتصاب با موفقیت پایان یافت.

از آن جمله بوده است، مقامات و کارکنان و ایستگاه به رژیم تلاش کرده تا با غیر قانونی و "حرام" شدن اعتصاب و نیز تطبیق کارگران، اعتصاب را فاسد و نشاندند. اما موفق نشدند. سرانجام، این اعتصاب بزرگ با مداخله مسلحانه نیروهای کمیته سپاه (دژول و شوش) و نیروهای شهریانی وزارت انرژی و با زداشش بسیاری از کارگران از اعتصاب سرکوب گردید. نیروهای مسلح رژیم پس از این سرکوب، در محل مستقر شدند و از بیمه و کشتن های بعدی، نوعی حکومت نظامی اعلام شده، اعمال کردند.

با ایدها کارگران و کارکنان راه در میان این بخش از زنان که خود آگاه هر دو سیاست تبعیضی را مورد محدودیت برمه های اشتغال و تنزل سطح اشتغال آنان واقعاً نه انشاء نمود.

دومین اعتصاب بزرگ سال ۶۶، اعتصاب ۶۰۰۰ کارگر کشت و صنعت هفت تپه در تیرماه ۶۶ بود. این اعتصاب از جمله سازمان یافته ترین اعتصابات سالهای اخیر کارگران درخوزستان بود. شکل کارگران در آغاز حرکت وطن گسترش اعتبار و تأثیر آن بر آیدیکال تر شدن شعارهای کارگران، چشمگیر بود. این درجه از سازمان یافتگی در

۷۰٪ اعتصابات در واحدهای صنعتی بزرگ و متوسط صورت گرفت. ۱۵٪ در واحدهای خدماتی، ۱۰٪ در واحدهای کارگاهی و ۵٪ دیگر در واحدهای کشاورزی و خدماتی. واکنش رژیم در مقابل اعتصابات، توسط گرانده و انتقام جویانه بوده است. اعتصابات مهم (۱۰٪ اعتبارات) غالباً با سرکوب ضمن رژیم مواجه شدند. هجوم مسلحانه سپاه پاسداران و دیگر نیروهای

رکود در جنبش، نه ناشی از تا مین خواست طبقه بلکه برعکس، ناشی از فشار و خفقان بیش از حد و عدم حضور فعال نیروی پیشاهنگ آن است. وظیفه سازمان های سیاسی طبقه کارگر است که تلاش مضاعف برای غلبه بر اینها هم هنگی و پراکندگی موجود جنبش کارگری را به جایگاه واقعی آن به مثابه پیشروترین نیروی تحول جاد معبر سازند.

کارگران مبارز! قانون کار اسلامی دستمزدها را برای شما راجه "دیون ممتازه" کارفرما به حساب نمی آورد. درحالی که مطالبات شما با بست حتی قبیل از بدهی مالیاتی کارفرمایان، پرداخت شود. رژیم با این اقدام، راه سوء استفاده کارفرمایان، به ویژه مفاطعه کاران را جهت حیف و میل دسترنج شما با زکمرده است. مطالبات شما با بجز "دیون ممتازه" کارفرمایان شمرده شود و در قانون کار رشتت گردد. برای تأمین این حق مسلم خودمبارزه کنید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز! ماده ۲۷ قانون کار اسلامی دست کارفرمایان را در اخراج شما کاملاً باز گذاشته است. طبق ماده ۲۷، کارفرما از پرداخت حق سنوات به کارگر اجباری نیز، معاف شده است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به با خاستید، علیه ماده ۲۷ قانون کار اسلامی نیز مبارزه کنید. برای پایان دادن به اخراج های خودسرانه قانون کار را به حدی که روا منیت شغلی کارگران را به رسمیت بشناسد و آنرا تضمین کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز! ماده ۲۷ قانون کار اسلامی دست کارفرمایان را در اخراج شما کاملاً باز گذاشته است. طبق ماده ۲۷، کارفرما از پرداخت حق سنوات به کارگر اجباری نیز، معاف شده است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به با خاستید، علیه ماده ۲۷ قانون کار اسلامی نیز مبارزه کنید. برای پایان دادن به اخراج های خودسرانه قانون کار را به حدی که روا منیت شغلی کارگران را به رسمیت بشناسد و آنرا تضمین کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران پیشرو! هسته های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

درباره تبلیغات (۵)

تکنیک

نظریه اهمیت تهیه و تکثیر وراق کتبی زسوی فعالین فدائی در داخل کشور، مبنای تهیه شیوه نامه (اعلامیه، تراکت و...) در کار شمار ۴۸ توضیح داده شد. در این شماره ضمن توضیحاتی درباره مسئله تکثیر، طرز تهیه یک نوع دستگاه تکثیر دستی تشریح می گردد.

در ارتکبیر، توجه به یک نکته دارای اهمیت جدی است: انقلابیون موظفند در حیطه امکانات موجود، همواره از آخرین دستاوردهای علم و فن در مبارزه با دشمن بهره گیرند. نمی توان با امکانات ابتدائی، در مقابل دشمنی که از همه امکانات پیشرفته سود می جوید، وظایف انقلابی خود را همه جا نبه انجام داد. هم اکنون در کشور ما دستگاه های پیشرفته چاپ و تکثیر در مقیاس وسیع، در ادارات دولتی و واحدهای کوچک و بزرگ خصوصی مورد استفاده قرار می گیرند. دستگاه های کوچک "فتوکپی" - که در هر کوی و برزن شهرهای کشور به وفور یافت می شوند - نمونه خوبی از این امکانات است.

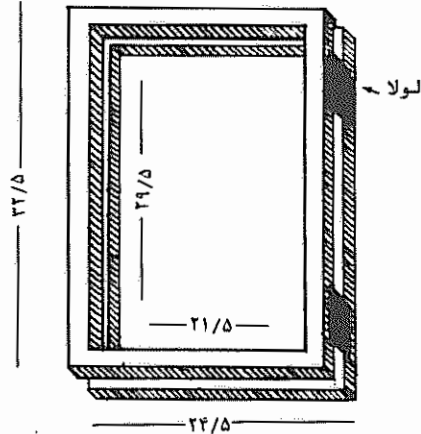
دستگاه فتوکپی از نظر حجم، وزن، تمیزی کار، سرعت عمل و... برای تکثیر مطالب مورد نظر انقلابیون بسیار مناسب است. این دستگاه به راحتی قابل خرید است و با اندکی دستکاری در سیستم مرکب آنها، می توان هزینه چاپ را به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داد. در عین حال برای نگهداری فتوکپی، امنیت زیادی وجود دارد. و با اندکی هوشیاری می توان امکاناتی فراهم آورد که نگهداری دستگاه فتوکپی در نزد این یا آن رفیق امری کاملاً طبیعی جلوه نماید و با قایل توجه باشد.

با تهیه یک دستگاه فتوکپی، می توان مطالب را ابتدا تایپ نمود (در صورت عدم دسترسی به تایپ با دست نوشت) و سپس به تعداد دلایل تکثیر کرد. و به این ترتیب از دستگاه پستی که تهیه و توزیع آن دشوار است بی نیاز شد. نخستین تلاش رفقا با بدترین جهت با شد که با برنای مریزی دقیق و رعایت اکید اصول پنهان کاری، راههای تهیه یا استفاده از دستگاه های پیشرفته و به ویژه فتوکپی را بیابند و برپرسه کار خود، آنها را با ابتکار، بسا امکانات و ونیاهای خویش منطبق سازند. تجارب موجود نشان می دهد که در صورت تعمق و پیگیری، تلاشها اکثرآ به نتیجه می رسند. لازم به یادآوری است که در راه پلده با دستگاه های پیشرفته نباید تنها به "تهیه دستگاه" اکتفا کنید، بلکه با بدیه همان میزان به راههای تفکر کرد که امکان استفاده از دستگاه های موجود در این یا آن شرکت یا اداره دولتی یا خصوصی فراهم می آید. در این زمینه نیز تجارب موفق بسیار زیاد است.

دستگاه های تکثیر دستی، در مقابل تهیه دستگاه های پیشرفته موجود، امکان نیز مای عقب مانده ای محسوب می شوند. هنرا انقلابیون ندر تهیه این گونه دستگاه ها، که در دست یافتن به مکانیزم های پیشرفته است، اما علیرغم اینها، در مختمات موجود، نمی توان دستگاه تکثیر دستی را چیزی به کلی خارج از رده به حساب آورد. سهولت ساخت دستگاه و تهیه مواد اولیه، هزینه کم چاپ، حجم کم دستگاه و... از جمله عواملی است که استفاده از چاپ دستی را در شرایط فقدان امکانات پیشرفته، مجاز و میسر می سازد. از این نظر در این شماره طرز تهیه یک نوع دستگاه ساده تکثیر دستی توضیح داده می شود. این تذکره فعالین انقلابی با بدقتا عده بر تهیه و استفاده از امکانات پیشرفته قرار دهند و استثناً را بر استفاده از دستگاه تکثیر دستی.

طرز تهیه دستگاه تکثیر دستی

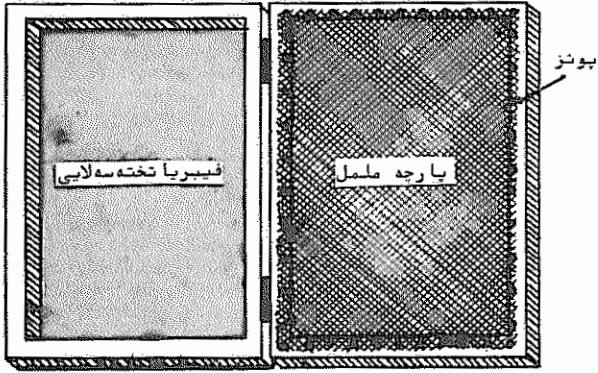
با استفاده از چوبیایی به عرض ۳ و ضخامت ۵/۸ سانتی متر، دو عدد چارچوب به اندازه داخلی ۲۱/۵x۲۹/۵ (قطع کاغذ A4) تهیه می کنیم و آنها را به وسیله ۴ لولای کوچک طوری بهم وصل می کنیم که مانند ریچه کوچکی به راحتی با زوبسته شود. هنگامی که چارچوب به بر روی هم قرار می گیرند ۳ میلی متر از هم فاصله داشته باشند سپس یک عدد تخته سه لایی یا فیبری به اندازه کار بیرونی چارچوب (۲۷/۵x۲۵/۵) تهیه کرده و با میخ یا چسب به قسمت بیرونی یکی از چارچوب ها نصب می کنیم. تخته سه لایی یا فیبری با دروی چارچوب را کاملاً ملبوسا ند، به گونه ای که هنگام باز و بسته کردن چارچوب لولاهار سمت راست و فیبری یا تخته سه لایی بر روی زمین قرار گیرد. (تصویر شمار ۱۰)



تصویر (۱)

پس از تهیه چارچوب مقداری پارچه ملول (که به خاطر نرم بودن و جذب عرق برای تهیه لباس زیر به کار می رود و در پارچه فروشی ها فراوان است) به اندازه کار در بیرونی یک چارچوب تهیه کرده و با استفاده از زبون آن را به صورت سفت و کشیده روی رویه روئین چارچوب بالایی نصب می کنیم، به طوری که اگر چارچوب بسته شود (دو چارچوب بر روی هم قرار گیرد) پارچه ملول در وسط دو چارچوب قرار گیرد. لازم به تأکید است که پارچه باید کاملاً سفت کشیده شود به گونه ای که با یک ضربه کوچک انگشت ما ننهدا بره به صدا در آید. برای این کار با پیدار تعداد دهرچه بیشتر زبونهای نامت آن استفاده شود و اگر در کار رگسرد دستگاه ها پارچه شل شود، باید دوباره آن را به حالت اول بازگرداند و دوباره چارچوب دیگری به جای آن نصب کرد. (تصویر شمار ۲)

سپس داخل چارچوبهای که کف (قسمت زیرین) آن با فیبری پوشانده شده است را با کاغذ بزمی کنیم. کاغذها باید به سطح قدری در چارچوب قرار داده شود که در فشار دست، با سطح چارچوب هم سطح شود. چارچوب را می بندیم، پارچه ملول بسا کاغذهای داخل چارچوب زیرین همسایه ها گذشت. در این حالت مقدار کمی مرکب

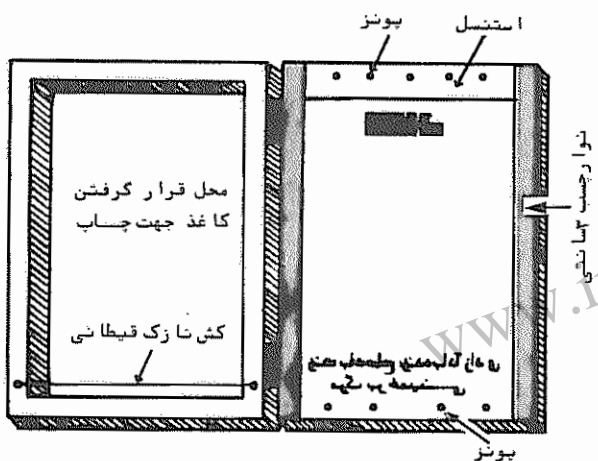


تصویر (۲)

طرز چسباندن استنسل بر روی پارچه ملول

چارچوب را با زمی کنیم. استنسل اما در با بدیه صورت معکوس بر روی پارچه ملول آغشته به مرکب چسبانده شود. یعنی رویه استنسل با بدیه پارچه ملول همسایه گردد. در این حالت کلمات به صورت معکوس، یعنی مانند مهران ز سمت چپ خوانده خواهد شد.

سراستنسل - یعنی قسمت کاغذی دارای چند سوراخ با بدیه پونز به قسمت بالایی چارچوب چسبانده شود و استنسل به صورت کشیده و بدون چروک بر روی پارچه قرار گیرد. هنگام چسباندن استنسل با بدیه دقت و احتیاط کامل عمل شود زیرا در غیر این صورت استنسل پارچه خواهد شد. می توان با استفاده از زنون چسب ۳ سانتی (دو فلج طولی) استنسل را به طرفین چارچوب چسبانید تا از نشت مرکب بر روی کاغذ جلوگیری شود. قسمت بالایی استنسل را نیز می توان با چند پونز به پایین چارچوب محکم کرد. (تصویر شمار ۳)



تصویر (۳)

اکنون دستگاه آماده کار است. چارچوب ها را می بندیم و مقداری مرکب روی پارچه ملول - که استنسل در زیر آن قرار گرفته می ریزیم و به وسیله یک عدد کاشی (کاشی حمام) یا سرامیک ۱۰x۲۰ آنرا بر روی پارچه پخش می کنیم. کاشی یا سرامیک در اینجا نقش غلطک را بازی می کند. از این نظر لبه های آن با بدیه میز و ماف و قوس دار باشد. حرکت کاشی یا سرامیک با بدیه از لبه پایین در جهت طول چارچوب (استنسل) انجام گیرد. در اثر حرکت کاشی، مرکب روی پارچه به استنسل و از سوراخهای استنسل روی کاغذ زیرین منتقل می شود. از این رو پس از هر حرکت کاشی با بدیه چارچوب بالایی را بلند کرده و برگ چاپ شده را برداشته (معمولاً چند برگ اول تمیز نیست ولی به تدریج مرکب تنظیم و کاغذها تمیز در خواهد آمد). هر از چندی با بدیه مقدار کاغذهای زیر استنسل (داخل چارچوب زیرین) افزودن سطح کاغذ از سطح چارچوب با بدیه ترنود. زیرا در غیر این صورت در اثر فشار کاشی، استنسل پارچه خواهد شد.

معمولاً وقتی چارچوب را با زمی کنیم برگ چاپ شده بر روی استنسل می چسبد و با بدیه کاغذ آن جدا کرد. هنگام جدا کردن کاغذ از استنسل این احتمال وجود دارد که استنسل پاره شود. برای جلوگیری از چسبیدن کاغذ به استنسل می توان دو طرف یک کش قیطان نا زک را در حالت کشیده، به وسیله پونز به عرض چارچوب زیرین وصل کرد تا کاغذ زیر آن قرار گیرد و هنگام باز کردن چارچوب، مانع از چسبیدن کاغذ به استنسل گردند. معمولاً ۲-۳ سانتی متر ته کاغذ قیطان سفید محسوب شده و مطلبی در آن چاپ نمی شود. از این رو کش با بدیه تقریباً ۱/۵ سانتی متر از ته کاغذ فاصله داشته باشد (یعنی روی فضای سفید قرار گیرد). هنگام کار کردن این دستگاه، با بدیه از مرکب شل استفاده شود. مرکب که بر روی پارچه ریخته می شود، با بدیه کم تر و نه بیشتر از حد لازم باشد. زیرا اگر مرکب بیش از حد متعارف ریخته شود، بین پارچه و استنسل جمع شده و سبب چوبکیده شدن استنسل و مانع از چاپ مطلوب خواهد شد. در صورت ناگافی بودن نیز احتمال پاره شدن استنسل وجود دارد.

هنگامی که هر دو روی کاغذ چاپ می شود، در صورت خواب شدن یک طرف، زحمت صرف شده بر روی رویه دیگر نیز بر باد می رود. بهترین است از کاغذهای نا زک استفاده و فقط یک رویه چاپ شود. در پرسه کار این دستگاه تکثیر دستی فقط سه تجارب و امکانات خویش خواهد افزود و آن را تکامل خواهد بخشید. تجارب تان را برای ما بنویسید.

از جهان سوسیالیسم ، از احزاب برادر

حفظ خصال کمونیستی

فشرده مقاله "دوما ثوی" ، عضو فدراسیون سوسیالیسم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام ، به نقل از نشریه "پیک ویتنام" شماره ۱۲ سال ۱۹۸۷: در شرایط کنونی که کشور ما با مشکلات بسیاری روبروست و پدیده‌های منفی هنوز در جامعه جاریست ، اکثریت کار درها و اعضا ، اعتقادشان بر بهربری حزب را حفظ نموده و اگر ما نه درجهت حفظ خصال اخلاقی ، روحیه مبارزاتی و احساس مسئولیت خود تلاش نمیکنند ، آنها با بردباری با مشکلات روبرو شده و تلاش می‌نمایند که بر آنها غلبه کنند ، درحالیکه شیوه زندگی سالم خود را حفظ نموده و کلیه وظایف محوله را در عرصه تولید ، مبارزه و دیگر عرصه ها ، انجام می‌دهند. می‌توان گفت که خصال نیکوی اخلاقی به عنوان مشخصه اصلی و ماهوی کار درها و اعضای حزب به قوت خود باقی می‌ماند ، این عامل مثبتی است درجهت تضمین نقش رهبری کننده حزب ما . این ارزشهای نیک ملت ما ، از آموزش ایدئولوژیک و کمینگر سازمان گرفته تا آموزش شدن فکری در برابر ما را یکسپه لنینیسم و مینیس پرستی ، و همچنین سازماندهی تلاشهای کار درها و اعضای حزب درجهت اصلاح نمود ، سرچشمه می‌گردد . این چیز است که ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم و با تمام قوا آن را گسترش دهیم .

با این وجود در سالهای اخیر ، در عرصه تولید تاریخی و در مواجهه با زوایای جدید و تلخ ، سازمان کار درها و اعضای حزب در حفظ خصال انقلابی شان موفق نبوده ، در نتیجه بیش از این با شیوه‌های غفوبیت در حزب کمونیست رانندارند ، پدیده‌های منفی در حزب ، در دستگاه دولتی و در جامعه ، هم به لحاظ تعداد و در نظر وزن ، روبه افزایش است . گرچه حزب دولت ما ، تمهیدات چندانی را به کار گرفته و آموزش‌های مختلفی برای مبارزه با پدیده‌های منفی ، آموزش و گسترش خصال نیکوی اخلاقی کار درها و اعضای حزب استفاده نمودند (مثل مبارزه وسیع در جهت ارتقا خصال اخلاقی اعضای حزب و تعطیل عناصرتا با با اضعوف حزب ، صدور کارتهای عضویت در حزب پس از کنترل صلاحیت افراد ، جاری کردن انتقاد و نقد از خود با توجه به روح رهنمودهای شماره ۷۹ دبیرخانه کمیته مرکزی) ، ولی در واقع کار درها و اعضای حزب به کار گرفته و هزاران نفر از آنها را از حزب اخراج کرده ایم ، اما ما به طور کلی در جلوگیری از رشد پدیده‌های منفی در حزب و ارتقا خصال اخلاقی حزب موفق نبوده ایم ، در حزب بسیاری از اعضای باقی مانده اند که به لحاظ اخلاقی فاسد هستند ، در دستگاه دولتی عناصرتا سرفاسدی باقی مانده اند ، در جامعه پدیده‌های منفی زیادی باقی مانده است ، این یک موقعیت غیرعادی می‌باشد . در حال حاضر ، رایج ترین نمودهای جنسی پدیده‌های به قرار زیر است :

- کاهش روحیه مبارزاتی و از بین رفتن شور انقلابی ، سستی احساس مسئولیت ، محافظه کاری و تنبلی ، انضباط سست ، تخلف از رهنمودها و سیاستهای حزب ، سرپیچی از قوانین و دستورالعملهای حزب و دولت .

- تکرار منفی نسبت به کار رومیای زره ، فقدان شور و شوق ، تنبلی و بیهودگی ، پشت گوش انداختن کارها ، کسب درآمد ، نه از کار بلکه از اعمال غیرقانونی ، بی‌میلی در جنگیدن با کار درمناطی دوردست .

- تکرار منفی نسبت به اموال سوسیالیستی ؛ نه فقط تصور احترام و محافظت از اموال دولتی و کلکتیو ، نه تنها موجبات حیف و میل اموال را فراهم آوردن ، بلکه حتی ترازان ، کوشش به انحای مختلف برای دزدی و اختلاس و قهوردرا احترام به اصول سوسیالیستی توزیع ، و تقویت عدالت استحقاقی ، تلاش درجهت گرفتن پاداش بدون استحقاق ، سوءاستفاده از قدرت جهت کسب امتیازات ، و لخری اموال عمومی برای ضیافت‌های رسمی و دادن هدایا به بالادست‌ها ، دوستان و خویشان و بنا ، دزدی اموال عمومی ، جدی ترین ساله جنین پدیده‌های منفی به شمار می‌رود .

- قاچاق ، سفته بازی و رشوه خوری و وسع گسترش یافته است .

- بوروکراسی ، برخورد زبالا ، قلندری و زورگویی و زیرپا گذاشتن حقوق توده ها ، همچنین متداول است .

- تقلید از شیوه زندگی فئودالها ، بورژواها و نواستعمارگران ، انجام امرهای ناپسند .

این پدیده‌های منفی ، در همه جا شایع است و در بعضی جاها بر روی تمام کلکتیوها از جمله فعالیت ارگان‌های حزبی و دولتی ، در تمام شاخه‌های فعالیت و در همه مناطقی تا شریک‌گذاشته و تا پیشترین سطوح رسوخ نموده است . این پدیده‌ها با پدیده‌های این درجهت ترکیب شده و آنها را تقویت می‌کند .

این پدیده‌ها چنان خصوصیت اجتماعی و سیاسی جدی پیدا کرده اند که آنها را به عنوان یک موضوعی به کار گرفته شده علیه آنها ، توسط دیکتاتور پرولتاریا ،

کار ساز نیست . واقعیات نشان داده اند که هیچ کس در مقابل آنها مومن نیست ، آنها به هر کس صرف نظر از مقامش "حمله" می‌کنند ، اگر کسی محکم سرجای خود نایستد ، حتما سقوط خواهد کرد . بعضی از کار درهای رده بالا و اعضای برسا حزب به طرز مملکی مورد اصابت این "گلوله‌های خوش رنگ و لعاب" قرار گرفته اند . برخی از این موارد واقعا آندوهنگار است .

به لحاظ عینی ، پدیده‌های منفی فوق الذکر از این واقعیت ناشی می‌شوند که کشور ما هنوز در نخستین مرحله دزورن گذار به سوسیالیسم قرار دارد . در حالی که پدیده‌های اقتصادی که کین کار متحول شده اند ، در حالی که آن بخش اقتصادی که کار درها را بر او استیلا کرده اند ، هنوز مملکی نشده است ، در حالی که آنها را ایدئولوژی‌ها و شیوه‌های زندگی کین هنوز تا ثیرات قدرتمندی را اعمال می‌کند ، و در حالی که دشمن هنوز نقشه‌های خائنانه‌ای را علیه ما طراحی می‌کند ، با این وجود به لحاظ ذهنی ، ما درسیا سنجای اقتصادی - اجتماعی - معنای متکی استیباها و در مقام‌های بسیار شایسته ، در اداره اقتصاد ما ، کار درها ، یمن ، با این وجود به وسیله تمام جامعه ما در نتیجه رهنمودهای عملی ، کمیته‌های حزبی در رده‌های مختلف هنوز به آموش ایدئولوژیکی و اخلاقی کار درها و اعضای حزب اهمیت نمی‌دهند ، در حالی که بر صلاحیت و انگیزه‌های ما ، در یادگیری کار جدید و رند و تصور اخلاقی را مسائل جزئی شخیصتی قلمداد نموده و از کنترل به موقع آن عاجزند . اعمال کنترل بر روی کار درها و اعضای حزب ، به پویزی آنها نمی‌گردد ، در مقام‌های مسئول قرار دارند ، نسبت است . انضباط حزبی نه شدی و نه منصفانه تقویت می‌شود ، عناصرتا به صورت خیلی ملایمی در سرپرورد کار درها ی رهبری رعایت می‌شود ، قانون کجوبیت دیکتاتور پرولتاریا به طور صحیح رعایت نمی‌شود ، عتدای اذکار درها ، در مقام‌های بالا ، به شیوه عبرت آمیزی رفتار نمی‌کنند ، به خصوص در مورد رفتار اخلاقی و شیوه زندگی شان . و حرفشان با عمل شان یکی نیست . عناصرتا سرفاسدون ارگان‌های دولتی از کاستیها و نقاط ضعف شیوه مدیریت ما ، سوءاستفاده می‌کنند ، آنها خیلی از کار درها ، اعضای حزب و کارمندان دولت را فاسد می‌کنند ، با آنها ساخت و باخت کرده و از فرودشدگان مواد مخدر ، فته بیازان ، قاچاقچیان و دیگر عناصرتا راجنا بیتکار به منظور زدن اموال دولتی و ایجاد اختلال در رده‌های ما ، حمایت می‌کنند .

کنگره حزب به طور جدی از این پدیده‌های منفی انتقاد کرده ، به ریشه‌های آن اشاره نمود و تصمیم گرفت که یک مبارزه گسترده درجهت تصفیه حزب و دستگاه دولتی به راه اندازد و در جهت ارتقا و انضباط عتدای سلفم پیش رود . کنگره تا دیکتر دکورگه موازات با بالابردن ظرفیتها و بهبود شیوه کار درها و اعضای حزب ، لازم است تا خصال انقلابی آنها تکانه شود ، این چنین ارتقا خصال انقلابی کار درها و اعضای حزب و تمامی مردم یکی از ضروریات عاجل و وظایف میرمکار ایدئولوژیکی ما می‌باشد .

به منظور اجرای قطعنامه کنگره ، اخیرا دفتر سیاسی قطعنامه‌ای صادر کرد که مبارزه‌های را طلبید برای "با کیزگی و افزایش خودتدورت مبارزاتی سازمانهای حزبی ، با کیزگی و ارتقا کارهای مدیریت دستگاه دولتی ، دفع و حذف پدیده‌های منفی ، پیشروی برای روابط اجتماعی سالم و دستیابی به عدالت اجتماعی .

ارتقاء خصال اخلاقی اعضای حزب و حفظ با کیزگی صفوف آن ، محتوی اصلی و بسیار مهم این مبارزه است . این یک مبارزه انقلابی صادق و پیچیده در ایدئولوژی سازمان ما ، راه و روش فعالیت می‌باشد ، مبارزه‌ای بین نوآوری به موازات خط کنگره شمشجب از یک طرف و محافظه کاری و تنبلی از طرف دیگر ، بین محاسبات اقتصادی سوسیالیستی از یک سو ، و بوروکراسی و وابستگی به "سوسیالدها" از سوی دیگر ، این مبارزه را به نزدیک دارد مبارزه بین "دومیسر" و مبارزه علیه جنگ چندجانبه خرابکارانند دشمن ، این مبارزه به ترکیبی همگون از اقداماتی فعلی ، آموزشی ، اقتصادی ، سازمانی و متشاوره‌ای نیاز دارد و به اجباری قطعنامه کنگره شمشجب و قطعنامه‌های مربوطه کمیته مرکزی گروه خود را دست .

ارگانهای حاکمیت با یقفورا فعالیت‌های عناصرتا سدرا مودبرسرین قرار داده و متناصرتا بسا جرا ضمانت آنها را بر مجازات تعابند ، سربسته‌های با ندها شرا کدر معاملات غیرقانونی دست دارند ، دزدان اموال سوسیالیستی ، سفته بیازان و قاچاقچیان از جمله کسانی هستند که زیانهای جدی به اموال و اقتصاد کشور را در آورده اند ، عتدای آنها زیان دنیست ، اما آنها در دستجات انگلی به هم پیوسته و بر یکدیگر حکومت و جامعه ما نیش می‌زنند و موجبات خرابی فراوانی می‌شوند . آنها هرگز به جنایات خود معترف نیستند مگر آنکه با شواهد غیرقابل انکاری روبه رو شوند و توسط ما موران اطلاعاتی ارانگه و متدلل شوند ، آنها به شیوه و لنگارانه و شرافستی زندگی می‌کنند و از آذانه افکار عمومی و قانون را تهدید می‌کنند . شیوه معمول کار آنها ، عبا رت است

روز معلم گرامی باد !

۱۲ اردیبهشت ، یادآور اعتصاب بزرگ و یک - با رجه معلمین تیرا رده ۱۳۴۰ است که حمایت همه - بستگی معلمان سراسر کشور را در دنبال داشت . در بزرگداشت این اعتصاب بزرگ و پیروز منسند ۱۲ اردیبهشت روز معلم نامگذاری شد .

شرا بیایزندگی امروز ما موزگار در در میهن آخوند زده و بیلابیده ما بسیار دشوار و طاقت فرسات . حقوق نا چیزی که آنها در برابر سخت و پراورش شان در یافت می‌کنند ، به هیچ روی به سخوی هزینسه زندگی در این شرایط گرانای سر کیهجهت و روتسوروم روز افزون جامعه نیست ، بیاتر اما دولتی هم اکنون ۲۵۰ هزار معلم - یعنی اکثریت آنها - حقوقی کمتر از ۴۵۰۰ تومان دریافت می‌کنند .

در چنین اوضاع و احوالی است که کارکنان امور فرهنگی جامعه ما مجبورند پس از پایان کلاس - های درس در دستگاه‌های املاطات اوتومبیل ، در شرکت‌های خصوصی و یا تجارخانه‌ها به عنوان منشی و حسابدار ، تدریس خصوصی و یا مشاور فشرکی شخصی ، روزشان را به امید لقمه نانی بیست و شش برنده و فراد با تنی کوفته و خسته در کلاس درس حاضر شوند .

رژیم خودی معلم شرا فتمند و زحمتکش ایرانی را مجبور می‌کنند که تنها در چارچوب اندیشه‌های قرون وسطایی فدیشری و جنگ طلبانه شان در کلاس‌های درس سخن بگویند ، و اگر اندکی از این مرزهای مقرر شده تخطی کند ، "تعمیرنا مطلوب" نامی خسته می‌شود و محکوم به اخراج و بریده‌ری می‌شود ، از سال ۱۳۵۸ تا کنون به اعتراف مسئولین رژیم ، ۳۰ هزار موزگار متعهد و دلسوز مشمول "یا کاسای" شده اند و ما بیگ نیز با دیگر گرامی وزیر آموزش و پرورش آنها را تهدید می‌کنند : "اکنون در حال مطالعه هستیم تا بر اساس طرحی با مملکتی که واقعا قابل اصلاح نیستند برخورد کنیم ." (اطلاعات ۱۶ دی ماه ۱۳۶۶) عدم امنیت شغلی یکی دیگر از دغدغه‌های معلمین ما است . معلمین فرهنگیان ایران از زحی ایجاد دهر گونه تشکل صنفی مستقل محرومند ، آنها فاقد هر گونه اتحادیه ای هستند که از حقوق باعمال شده شان حمایت کند ، رژیم تنها "انجمن اسلامی معلمان" را مجاز می‌شناسد ، این ارگان در واقع یکی از اهرمهای حکومت برای فشار مضاعف بر معلمین آزاد دومتفرقی ، مرکزی برای تفرقه افکنی و خیرچینی علیه توده معلمین است . هر تلاشی برای ایجاد انجمن صنفی یا اتحادیه معلمین با سرکوب خشن حکومتیان مواجه می‌شود .

در این میان وضع معلمین حق التدریسی از همه دردا و تراست ، ایسان نزدیک به ۸۰ هزار جوان دیلمه‌ای هستند که به استخدا مرمی آموزش و پرورش تبدیل شده اند ، بر اساس ساعات تدریس نا حقسوق بسیاری از چیز دریافت می‌کنند ، سنوات خدمتشان جزوا بشمار آنها محسوب نمی‌شود و خلاصه از هر گونه مزایای کار رمند دولت محرومند ، رژیم خودها بسا کمترین حقوق این جوانان محتاج را اجیر کرده است ، تا نا بدهگوشه‌ای از کمبود ۵۰۰ هزار معلم و ۲۰۰ هزار دبیرا در سراسر کشور جبران کند .

سازمان ما معلمین آگاه ، مبارز و با تجربه را فرا می‌خواند تا با تلاش بیگیرانه در این شرایط دشوار برای ایجاد نهج نوع تشکل صنفی میان همکاران خویش ، راهنمایی و کمک به معلمین جوان و هدایت مبارزه توده معلمین ، نقش فعال و موثر موزگار را در جنبش مردم ایران احیاء کنند .

از : خریدن کار درهای خیلی بالا ، رشوه دادن به کار درها ی شاین ساخت و یا خت با عناصرتا سرفاسدون ارگانهای دولتی و تجاری غیرقانونی ، وشا یدم کمک به نقشه‌های دشمن که در پی خرابکاری در اقتصاد ما است . آنها با اهداف و غرض خود ، عناصرتا خطرناکی شده اند که در مقابل خت حکومت و مردم ما ایستاده اند . آنها چه تنگ خسته شده و یا نشده باشند ، به هر حال دشمن سوسیالیسم اند ، هر محل و هر شاخه‌ای از فعالیت ، با یقفورا تعدادی از این موارد توده را به زیر سؤال کشیده و مردم را از کار ملا آگاه سازند . ما با بدکشفیات و افشاکاریهای توده‌ها و رسا نه‌های گروهی را با تحقیقات سراسری ما موران دولت ترکیب کنیم ، ما با یقفورا به تدریج تحقیق سازمان‌های حزبی و دستگاه دولتی را با مبارزه علیه پدیده‌های منفی ، در جامعه به طور مملکی کنیم .

ما با یدمبارزه درون حزب و ارگان‌های حکومتی را با تشویق توده‌ها برای پیوستن به ساختن حزب و دستگاه دولتی ، ترکیب کنیم ، با یقفورتا تشویق کنیم تا از کار درها و اعضای حزب و کارمندان حکومت انتقاد نکنند ، عناصرتا سربسدر فرصت طلب را شناسایی و افشا کنند ، در همان حال ما با یدمباران خطاها و اشتباهات کار درها و اعضای حزب و کارمندان دولت نظارت کنیم ، بوبه سازمانها و حزبی که به آموزش و مدیریت اعضای شان اشتغال دارند ، پیشینه‌های با سازنده را تهدید کنیم ، در این عتدای مطبوعات و وسائل ارتباطی جمعی به طور مملکی بسیار رهمی دارند ، مطبوعات ، صدای حزب و در عین حال ، صدای توده‌هاست . مطبوعات سبم به سزایندگی در سازمان تکراری افکار عمومی دارند .

ماکسیم گورکی، پایه‌گذار رئالیسم سوسیالیستی

اگر "لوتولستوی"، آئینه انقلاب دمکراتیک در تمام عین و ذهنی آن در روسیه بود، ماکسیم گورکی را تنها با معیار انقلاب سوسیالیستی، نیروی آن و تضادهای درونی آن می‌توان مک زد. آنکسی ماکسیموویچ بشکوف (گورکی) از مسیر تجرب به سخت زندگی به این قلمسه با شگوهیا گذاشت. این فرزندیک خانواده خرده‌پای شهر "نیژنی نووگورود" (گورکی کنونی) ده ساله بود که پس از مرگ مادر، از خانه‌ای که بدبختی به آن روی آورده بود، به عمیق اجتماع پرستاب (۱۸۹۴). پدرش سال‌ها پیش مرده بود و از تصویر خا طره و، تنها ما فهمیجا عت، شرافت و نوع دوستی برای پسر به میراث مانده بود که با سراسر زندگی وی درآمیخت.

گورکی در جریان کار سخت و طولانی در حرفه‌های گوناگون، در روزهای زندگی با کارگران تیسره‌روز و محرومان و رانده‌شدگان روسیه آن زمان، همبستگی عمیق با رنجبران و نوبرت از توانگران استقامت‌رکن را در دل داشت. هم‌گونه که خود می‌گفت: "چا همه، دا شکده‌های اوبود. آشنا‌ئی با محافل مترقی انقلابی و فکلیت روزنامه نگاری به تدریج نگرش نوین نسبت به رنجبران و رانده‌شدگان، اعتراض علیه اودر سیما ای انسان کارگر، و تنها اعتراض علیه پیدا دوستم سرما پیدا ری و تلاش در راه عدالت اجتماع، بلکه رسالت تاریخی طبقه‌ای بالنده و ستا خیز منموی باقی‌ت.

پیش از گورکی، نویسندگانی چون چرنیشفسکی، لوتولستوی، در روسیه و نیز برخی نویسنده‌گان اروپایی، در آثار خود، قهرمانان کارگر آفریده بودند، اما تنها به صورت مردمی ستایش و قربانی بی‌عدالتی اجتماع، گورکی برای نخستین بار، کارگر را به مثابه نیروی تاریخ ساز که آینده آن اوست، به تصویر کشید. آفرینش گورکی با آن گرانده و تیره و تیره هنری انقلابی اوست. نقش و تاثیر خلافت هنری گورکی در جنبش انقلابی قرن ما، تردیدنا پذیر است.

گورکی شناخت جهان را از درآمیختن با زندگی واقعی آغاز کرد و به این جهت مدافع سرسخت واقع‌گرای بود. او در اندیشه نویسنده‌ای جوان، نوشت: "با بی‌خودری به زندگی نزدیک تر کرد... توجهت را به خود متمرکز نکنید، بلکه جهان را در خود تمرکز کنید." رئالیسم او، دیوار تمام قلمسه‌های ذهنی گورکی نبود. او کارگر و مرمومین روشنگران و هنرمندان آن دوره را ویران کرده، بر زمین واقعیت ایستاده بود، زمینی که تنها انسان می‌توانست آن را شکم زنده و محصول تازه‌ای به دست آورد.

او با تحقیق انسان که در هنر و ادبیات بورژوازی مرموم است، سرخدا نه به هم می‌آورد. برخاست. گورکی اعتقاد داشت که "انسان معجزه است. تنها معجزه روی زمین. تمام معجزه‌ها و زیبا‌ئی‌های دیگر توسط اراده، خرد و تخیل او آفریده شده است!" او در عین حال عوامل اجتماع عینی از هم گسستی شخصیت انسانی و به زبان مارکس "از خود بیگانگی" انسان را آشکار می‌کرد. وی آن به مبارزه می‌یستاد. قدرت شوم اعتیاد او کم‌کم با زندگی خرده‌بورژوازی را که با رگود معنوی تجسم می‌یابد، به شدت محکوم می‌کرد. در پرتو چنین شناختی از ظرفیت‌های انسانی، او موضوع در تمام آفرینش هنری گورکی، عمده می‌شود: رسالت خیزش و تخریب شخصیت که موضوع اول در تریلوژی "دوران کودکی، در جستجوی نان، دانشکده، اول من" تجلی می‌یابد و مضمون دوم در "زندگی کلیمسا مگین".

گورکی نه تنها پایه‌گذار ادبیات کارگری که بنیان گزار رئالیسم سوسیالیستی نیز هست، او پس از انقلاب اکتبر، خدمات ثابانی در تربیت نویسندگان و شاعران جوان شوروی کرد. ادبیات شوروی نه بدون او توه حتی بدون تاثیر عملی او در تعالی آن قابل بررسی نیست.

هنر و ادبیات مردمی

گورکی در عشق به عدالت و نیک‌روزی و نفرت از بی‌عدالتی‌ها و جامعه، از زمان آغاز پیدایش حزب لنینی، به آن به دیده احترام نگریست. تعلق او به پرولتاریا و جنبش پرولتری، زمینیه طبیعی دوستی نزدیک او با لنین را فراهم کرد. و هنگامی که لنین در جریان برقراری کنگره پنجم حزب سوسیال دمکراتها در لندن بود، آن دو با هم دیدار کردند، گورکی علیه غم آنکه در مقام طبیعت نشاءت به سختی اندیشه‌های فلسفی و سیاسی - اجتماع لنینی بی‌بهره ولی هموار به لنینی به دیده تحسین نگریست. هنگام آمدن دیدار لنین و گورکی در مان "مادر" تازه منتشر شده بود. لنین دیدار سیما در میان آنها و ادوات و "قی‌المجلس از نواقص کتاب ما در سخن گفت و معلوم شدن خسته‌گی آن را... خوانده است... و هیرویلوویک‌ها بر ضرورت انتشار کتاب تاکید کرد و گفت: "این کتاب به موقع منتشر می‌شود." گورکی بعدها نوشت که، "این نخستین و تنها تحسین لنین برای او بسیار ارزشمند بوده است."

گورکی به نوبه خود، در شرحی دربار لنین، این چنین به ستایش آن مرد بزرگ می‌پردازد: "هنوز در جهان مردی ندیده‌ام که به ما نندازد و از او راست‌گویی و پدیدان باشد!" دوستی گورکی و لنین صمیمانه و بی‌پایه بود. مکا ته‌بین آن‌ها تا زمانی که لنین توان نوشتن داشت، قطع نشد. آنها با رها یکدیگر ملاقات کردند، این رابطه و مصاحبت‌ها، علیه غم اختلاف نظرها ی معین، برای هر دو آتیا شریک شد و حتی وقتی به پیچیده‌ترین حالت خود رسید، باز هم ادامه یافت. این پیچیدگی - که تا امروز کمتر به آن پرداخته شده - به او کنش گورکی نسبت به انقلاب و به ویژه در ماه‌های اول آن - با بیان ۱۹۱۷ و اوائل ۱۹۱۸ - مربوط می‌شود. توجه به این مساله، به اهمیت هنر و ادبیات برای انقلاب و رابطه متقابل هنر و سیاست، روشنا یی بیشتری می‌بخشد.

در آن زمان از سوی گورکی مقاله‌ای تحت عنوان "اندیشه‌های ما عصر" در روزنامه "عصر جدید" منتشر شده‌گی آن، به برخی خطه‌ها و بعضی جنبه‌های پدیدار شده در انقلاب حمله شده بود. این اقدام، آشکارا به ضرورت انقلاب شما می‌شد. این حملات اعتراضی که گورکی به توجیه شخص لنین نیز بود، با واکنش شگفت‌انگیز از جانب رهبران انقلاب مواجسه شد. لنین با متانت و بردباری، او را با اعتقاد و افناع و خردمندی نسبت به گورکی برخورد نکرد. چرا؟ در وهله نخست به این دلیل که سرخنده‌های اضطراب و بیم‌و هراس نویسنده را می‌شناخته‌های می‌دانست که گورکی به انقلاب نگاه می‌کرد "کاملاً درواکتون تلفات" ضایعات انسانی و معنوی عظیم، گرسنگی و سرما زدگی... مردمی که سوار تاب نم‌آورند.

لنین نخستین و تنها کسی بود که در پی گورکی رفت و به عبارت دقیق تر، در عین حال همراهی گورکی، به‌جای میزان با شور و شوق، در اندیشه مراعات، حفظ و تحکیم فرهنگ و او را نسیسم در میان آتش فزاید انقلابی بود که جا می‌آید. عقب مانده روسیه را، از اساس دگرگون می‌کرد. لنین حق گورکی را برای اعتراف به انقلاب می‌پذیرفت.

در سال‌های پس از انقلاب، لنین در دیدارهایش با نویسنده، از جمله در مورد وضع هنرمندان، یادداشت‌ها و روشنگران پیرو جومی‌کرد. گورکی که در آن زمان، کمیسیون برای حفظ سطح زندگی این قشر تشکیل داده بود، بارها برای کمک و نجات آن، به لنین مراجعه می‌کرد. خود نویسنده می‌گوید: "هیچ موردی را به یاد ندارم که ولادیمیر ایلیچ از آنجا درخواست‌های من خودداری کرده باشد."

گورکی چندسال بعد، اشتباهات اصلی خود

در بر خوردن به انقلاب و لنین را پذیرفت. چو را دوست گورکی را - با وجود کمرا‌ها ییش - همیشه پسند داشت؟ خانم "ما ریبتا شاهینیان" نویسنده فقید شوروی به این سؤال اب‌تگونه‌ها سخ می‌دهد: "... مرزا بلطه متقابل آنها در همین جاست. گورکی برای وی ضرورت حیاتی داشت! اشتیاب می‌کنند که کسی که فکر می‌کنند در مگاتبات آنها، تنها لنین به گورکی... او موخت و نویسنده به توبیک طرفه به او نیاز داشت... گورکی عامی بود که تده، تا شریک پیرو و تندتیز برای "ولادیمیر ایلیچ" ضرور بود، مثل هوا، مثل نان، هم‌انطور که دست راست به دست چپ نیاز دارد."

لنین، خود به گورکی ارج می‌گذارد: "نبوغ عظیم هنری در فرهنگ جهان است." گورکی به صراحت آن را در سال ۱۹۲۲، به خاطر بیماری سل، دوباره برای استراحت به کار می‌آورد. اما هرگز نتوانست دوری از همین انقلابی‌اش را تمام آورد. بارها به کشورش سفر کرد و بارها از راه دور، به وجودش و بیماری به‌تاد شوروی بازگشت و سه سال مانده عمر را در میهن زیست.

ابا در افکری آفرینش گورکی که در متون جریان زندگی و پژوهش‌های ایدئولوژیک سده بیستم‌جان گرفت، از مرزده‌های نخستین قرون می‌گذرد و به روزگار ما می‌رسد. دایره این فراگیری بیش از همه، در آخرین و غنی‌ترین اثر بزرگ او، رمان چهارجلدی "زندگی کلیمسا مگین" آشکار می‌شود. کلیمسا مگین، این شام‌خوار گرویداده‌های تاریخی و اعمال انسانی، با وجود تماثل‌های ذهنی گورکی به‌تاد برای اصیل جلوه‌کردن، کسی از آبدرمی‌اید به‌یاد می‌آید. کوچک و ببارشتی عمیقاً فردگرایانه (اندیویدالیستی). نویسنده، نا همخوانی ادعاها، جستجوها و تلاش‌های تب‌آلود روشنفکر متوسط را با روندهای بی‌پایه زندگی واقعی نشان می‌دهد. در این اثر، یک دوره کامل تاریخ روسیه، از اوایل قرن ۱۹ تا انقلاب اکتبر، با تمام شخصیت‌های محوری آن جان می‌گیرد. از انسان‌های بزرگ و بی‌مصلحت و فداکار تا بزرگان مالکیت، آزمتندان بورژوازی، روشنفکران خرده‌بورژوازی، فنان خرافات و نیز قهرمانان و شراب‌خورد چهره‌های دیگر که هر یک کارکرد اجتماع و تاریخ خود را بر آورده‌اند و در پیروند و در پیروند گورکی به جامعه روسیه - آه دوره می‌گذارد. به‌تاد، کارکردها و تاثیراتی که امروز نیز در هر آنجا که مبارزه‌ها در طبقه‌های جهان دارد دوباره زاده می‌شوند. و این نمودی است از پیوند عمیق گورکی با جهان معاصر.

گورکی خود، این دوره‌ها را با افلاانه‌ها و تجربه‌کرده بود. او و شایرگان انقلاب بود، به انتقاد از انقلاب پرداخت، و پیوسته به دفاع و پشتیبانی سرخستان از آن ایستاد. گورکی در اعتراف اجتماع غوطه خورد، با مردم‌ادی روسیه زیست و کارگردان از میان جامعه روشنفکران روس، بسیار رتوشه‌ها نوشت. فرهنگ و ادبیات کلاسیک همیشه را در گرفت. با به‌گذار ادبیات پرولتری شد و ادبیات پرولتری و سوسیالیستی باس داشت. رومان نویسنده، تا مدتی در فرانسوی که دوستی پرشور و دیرپایی با گورکی داشت، در سال ۱۹۱۸ درنا‌های به نوشت: "شما درپا انسان زستان و آستانه‌ها به دنیا آمدید. این تصادف، نما‌زندگی شماست. زوال و فروپاشی دنیای کهن و پیدایش دنیای نوین از بی‌توقان‌ها. شما به رنگین‌گمانی می‌مانید که دو جهان را به هم وصل می‌کنید، گذشته و آینده، من این رنگین‌گمان را می‌ستایم. رنگین‌گمانی که برآه ما می‌رسد. آسانی که پس از ما خواهند آمد، آن را دیرزمانی خواهند دید."



فجیع جلب کرد. قطع این جنگ وحشیانه، یکی از خواسته‌های مقدمه‌بشتری شده است. کنفرانس بین‌المللی "پسو" که تحت عنوان "نقش محافل اجتماعی در حل برخورد‌های منطقی" از ۹ تا ۱۲ فروردین در کابل برگزار شد، با دیدگرخواستار قطع جنگ ایران و عراق گردید. در قطعنا به پایانی این کنفرانس که ۱۳۰ نماینده از ۵۰ کشور جهان و ۱۵ سازمان اجتماع‌ای آن مورداً ثبت‌قصرار دادند، آمده است: "ما (هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در کنفرانس) پس از عراقی عمیق خود را از شنیدن جنگ با جعه‌ها ایران و عراق ابراز داشته و خواهان قطع بلادرنگ حملات موشکی و مرمومینا به طبقه‌های غریب‌طلبی و کشتار دسته‌جمعی مردم بی‌گناه و بی‌گناه بوده و خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق می‌شود. ما قطعنا به ۵۹۸ و خروج ناوگان خارجی از خلیج فارس هستیم." □

جنگ و کشتار مردم، دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب با حمایت پرشور نیروهای ترقی‌خواه و به‌ویژه حزب کمونیست آلمان مواجه شد. کشورهای دیگر اروپا نیز عزمه‌تظا هرات ضد جنگ ایران - ایران بود. روزهای ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۶ و ۲۸ اسفند در شهرهای مختلف سوئد با خواست قطع جنگ‌ها و اجرای قطعنا به ۵۹۸ تظا هراتی برگزار شد. ایرانیا ن مقیم‌دنا رگ ۱۹ اسفند در کپنهاگ دست به تظا هرات زدند. در آتریش، نروژ و برلین غربی نیز تظا هرات مشابهی برپا شد. روز ۱۷ اسفند، پنا‌هندگان ایرانی در پاکستان به دعوت "کانون پنا‌هندگان ایرانی - کراسی" تظا هرات اعتراضی برپا کردند. در روز پیش از آن، نیز تظا هرات مشابهی در پاکستان برپا شد. تظا هرات سراسری ایرانیا ن خارج از کشور، توجه بیش از پیش مردم جهان را به این جنگ

تظا هرات ضد جنگ ... بقیه از صفحه اول

(آمریکا) به دعوت جمعی از دانشجوین ایرانیا ن مقیمین شهرت به تظا هرات زدند. ۱۵ اسفند ایرانیا ن مقیم شهرهای کلن و بن (آلمان غربی) به تظا هرات مشابهی دست زدند. ای‌تسن تظا هرات روز ۲۱ اسفند در برابری سفارت جمهوری اسلامی با شاعرهای کوبنده سرگ برخطی: مرگ بر جنگ، زنده‌ها مدلسطیح و آزادی تکرار شد. ۱۹ اسفند در مونستر، ۲۱ اسفند در هامبورگ، ۲۳ اسفند در مونیخ، ۲۷ اسفند در آخن ۲۹ اسفند در پادربورن، می‌تینگ‌ها و تظا هرات ایرانیا ن مقیم آلمان با خواست قطع فوری موشک باران‌ها و اجرای قطعنا به ۵۹۸ شوروی امنیت ادامه یافت. از نخستین روز سال نسبو، فدا‌تیا ن خلق در فراتنگفورث، در اعتراض به ادامه

قرارداد ژنو، نوید استقرار صلح در افغانستان

در آستانه بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب شوروی و پایان یافتن جنگ برادرکشی، بهر روی مستحکم زحمتکش افغان گشوده شده است. تالش های مستمر و چندساله حاکمیت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی برای پایان دادن به درگیریها و پیشبرد مذاکرات دوجانبه میان افغانستان و پاکستان که از شش سال پیش با میانجیگری سازمان ملل متحد آغاز شده بود، سرانجام در روز ۲۵ فروردین امسال با امضای قرارداد ژنو، شمرده است. طبق این موافقتنامه دولتهای افغانستان و پاکستان بر سر رعایت اصول مناسبات متقابل مبتنی بر عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر به توافق رسیدند، و دولتهای اتحاد شوروی و آمریکا نیز ضمانت اجرایی آن را تقبل کردند.

این قرارداد که در ۵ ماده به امضا طرفین رسیده است، حاوی اهمیت سیاسی بسیار جدی، تنهائی از مداخلات محلی و منطقه‌ای، بلکه جهانی است. بخشی از مفاد این موافقتنامه به قرار زیر است:

ماده ۲- برای تحقق اهداف اصل عدم مداخله و عدم تجاوز هر یک از طرفین مذاکره متعهد می‌شوند مواد زیر را به اجرا در آورند:

۱- احترام به حاکمیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و موضوع عدم مداخله طرف دیگر و همچنین روسم ملی و میراث فرهنگی آن

۲- احترام به حقوق مسلم حاکمیت طرف دیگر در تعیین سیاست، اقتصاد، فرهنگ و سیاست اجتماعی، توسعه روابط بین‌المللی، استقرار حکومت یا پدیدار بر سر ثروت ملی با اراده خلق و به‌دور از زنجار و زور و مداخله نیروهای خارجی و فعلیّت خرابکارانه، فشار و تهدید به هر شکل

۳- امتناع از کار بستن زور به هر شکل آن به منظور خودداری از تهدید مرزهای یکدیگر، امتناع از نقض نظم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طرف دیگر و سرنگونی یا تغییر سیستم سیاسی یا حکومتی آن و یا ایجاد تشنج بین طرفین.

۴- تضمین عدم مداخله از خاک کشور برای نقض حاکمیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، وحدت ملی یا ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طرف دیگر.

۵- امتناع از تجاوز مسلحانه، اعمال خرابکارانه، اشغال نظامی یا هر شکل دیگری از مواد خلع‌نهبان و آشکاره متوجه طرف دیگر بشود امتناع از هر عملی مداخله‌گرانه نظامی، اقتصادی، سیاسی در امور داخلی کشور دیگر، از جمله اقدامات تفرقه‌انگیزی، بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی، بی‌ثباتی برای بی‌ثبات کردن و یا آشوب‌گری را به دنبال داشته باشد طرف دیگر با هر یک از اینها در آن، خودداری از هرگونه همکاری یا تشویق و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از فعالیت آشوبگرانه، بی‌ثباتی خود را که علیه طرف دیگر به‌دولت و امتناع از هر عملی که متوجه برهم‌زدن نظم سیاسی طرف دیگر باشد.

۶- عدم مداخله در آموزش، تبلیغ، تأمین مالی هر نوع مزدور به قصد انجام هرگونه عمل خصومت‌آمیز علیه طرف دیگر یا گسیل جنین مزدوری به کشورهای دیگر.

۷- امتناع از بستن هرگونه قرارداد دوجانبه یا موافقتنامه‌ای با دیگر کشورها که متوجه مداخله و تجاوز در امور داخلی کشور مقابل باشد.

۸- خودداری از هر نوع کارزار افتراآمیز، تبلیغاتی، خصومت‌آمیز یا هدف تجار و سوداگران، امور داخلی کشورهای دیگر.

۹- خودداری از هرگونه کمک یا بهره‌گیری بی‌پسند از گروه‌های تروریستی و خرابکاران و ایجاد علیه کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند.

۱۰- عدم پذیرش حضور یا پناهندگان و یا هرگونه سازمان‌دهی، آموزش، تأمین مالی و تبلیغ برای دو گروه‌های سیاسی، قومی و غیره در اردوگاه‌ها و بیگانه‌ها به منظور انجام فعالیت خرابکارانه و ایجاد بی‌ثباتی و اغتشاش در سرزمین طرف دیگر و همچنین ممنوعیت استفاده از افراد و گروه‌ها از رسانه‌های خبری و حمل و نقل و تسلیحات و ابزار جنگی.

۱۱- عدم پذیرش و عدم توسل به هر عمل دیگری که مداخله و تجاوز و محسوب شود.

دولتهای افغانستان و پاکستان و پاکستان با زکشت فراریان افغان مستقر در پاکستان، به‌توافق رسیدند. دولت پاکستان موظف گردید شرایط برای بازگشت صلح آمیز و منظم فراریان افغان را تسهیل کرده و کمک‌های لازم ممکن را در این راه به عمل آورد. دولت افغانستان نیز یک بار دیگر بر تضمین محل زندگی و بهره‌گیری از حق کارمندان به‌حق مشارکت در راه مورد شور و بر خودداری آنها از شام‌خواری و حقوق برابر، مانند همه شهروندان افغانستان تا یکدیگر ورزیده است.

ضمیمه بین‌المللی

دولت‌های اتحاد شوروی و آمریکا، طی امضا

ا اعلامیه مشترک جداگانه‌ها هدف مساعدت به تحقیق و مفاذ قرارداد دژنو و محترم شمردن حق حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی دولتها، متعهد گردیدند که از دخالت و تجاوز و به هر شکل در امور داخلی پاکستان و افغانستان خودداری کرده و توافق حاصله را محترم شمرده و از سر بردولتها نیز امتناع خواهند نمود. شیوه‌ای را ملاحظه نماید.

با امضای اجرای قرارداد دژنو، قوای نظامی شوروی از ۲۵ اردیبهشت خاک افغانستان را ترک خواهند کرد. اتحاد شوروی تقبل کرده است که در عرض ۹ ماه، نیروهای خود را از افغانستان خارج کند و در این کشور، حداکثر مساعدت را بنماید.

اجرای قرارداد دژنو، راه را برای حل یکی از پیچیده‌ترین درگیریهای منطقه‌ای باز خواهد کرد. بقینا گشودن این کره، تا شرف قابل ملاحظه از طرف سایر درگیریهای منطقه‌ای برخواهد گذشت. گارباچف، رهبر شوروی، اهمیت اشغال این قرارداد در معادله قرارداد آمریکا و شوروی در باره محوشوکیهای میان برده‌های آسیای شرقی، کرده است. کلیشه‌ها و تئوریهایی مطرح است در باره این قرارداد دژنو استقبال کرده‌اند. اکثر کشورهای دولت‌های جهان، با اعلام پشتیبانی از قرارداد، طی ارسال پیام‌ها به دولت‌های افغانستان و پاکستان، این اجرائی هر چه سریع‌تر انجام شده‌اند. رژیم‌خیمینی تاکنون تنهائی استقبال از آن به عمل نیاورده، بلکه تنهائی همچنان بر مواضع خصمانه خود علیه دولت افغانستان، در دفاع خود از نیروهای مفاومت مسلح فدا انقلاب و فشارهای کرده‌ها و از تسلیحات علیه دولت افغانستان دست نکشیده است.

نیروهای اختلاف‌هنگامه اعلام کرده‌اند که قرارداد دژنو را به رسمیت نمی‌شناسند و هنوز قصد دارند راه را بر زمین بگذارند. آنها اعمال خرابکارانه و تروریستی خود را شدت داده‌اند و این در حالی است که مافی قرارداد دژنو و خروج قریب‌الوقوع نیروهای شوروی، اختلافات درون آنها را آشکارتر کرده است. نیروی مفاومت فدا انقلاب افغانستان هنوز به کمک‌های آمریکا از جانب وزارت امور خارجه آمریکا استقبال می‌کند. بی‌شک، این امر برای آنان بوده است. در آن بیانیه گفته شده است که: "امضای قرارداد دژنو به معنای برهم‌سخت شدن حکومت افغانستان از جانب آمریکا نیست." گویا آمریکا قصد دارد علیه مافی قرارداد دژنو، همچنان اقدامات خصمانه خود علیه انقلابیون افغان ادامه دهد و روند اجرای قرارداد را با مشکلاتی مواجه سازد. سؤال این جا است که دولت‌های غربی با بندهی تضمین اجرای قرارداد، از جانب آمریکا چگونه خواهد بود؟

مردم و دولت افغانستان این روزها، در آستانه دهمین سالگرد پیروزی انقلاب شوروی، با دشمنی و استقبال پرشور از مافی قرارداد دژنو، با امید به پایان خونریزی در آینده‌های نزدیک، میتینگ‌های پرشکوهِی برپا کرده‌اند. بار دیگر مخالفین را به گفتگو و توافق فرا می‌خوانند. در میتینگ‌های بزرگی که پس از مافی قرارداد در کابل برگزار گردید اعلام شد که افغانستان شوروی غیر وابسته و غیر متعهد با سیستم سیاسی چند حزبی و چندساختاری از نظر اقتصادی خواهد بود. مجدداً آمادگی دولتی افغانستان برای مذاکره با نیروهای اپوزیسیون اعلام گردید.

مردم و دولت افغانستان مصمم نخواهند بود که قطع خونریزی و برادرکشی و برقراری صلح و آرامش هستند و این به نوبه خود، اساسی‌ترین و امیدبخش‌ترین بخش تضمین برای پیشرفت روندهای است که با امضای قرارداد دژنو جاری شده است.

تاجران راه‌ناله آمریکا...
بقیه از صفحه اول

ادامه جنگ علاوه بر اینکه بزرگترین چنایت علیه مردم دو کشور ایران و عراق را عملی گشتا رهبر روز صدها و هزار نفر بکشتگان و خرابی‌های وحشتناک دو کشور است. زمینه‌ها هم کرده است که امپریالیسم آمریکا و متحدین ناتوئی آن را وضع به نفع خود بهره‌بردار کرده، چلیچ را در اولنگاه نیروهای نظامی خود کتد. عملیات ما جرایو پناه‌گشتیهای غیرنظامی متعلق به کشورهای بیطرف به‌زبان منافع ملی همه کشورهای حوزه خلیج فارس و یک تهدید جدی علیه امنیت جهانی است. ما مکرراً ضرورت قطع فوری هرگونه عملیات نظامی علیه کشتی‌ها از جمله هرگونه مین‌گذاری در خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده‌ایم.

فدائیان خلق ایران و سایر نیروهای ترقیخواه کشور ما در راه اعلام فوری آتش‌بس و قطع بیدرنگ جنگ، مبارزه می‌کنند. ما همواره خواهان تخلیه فوری سرزمین‌های اشغالی توسط هر یک از طرفین از جمله تخلیه فوری و چلیچ بوده‌ایم. هرگونه حمله به هدف‌های غیرنظامی، بمباران و موشک‌باران

به‌مناسبت دهمین سالگرد انقلاب شوروی، پیام شادباشی از جانب کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، ارسال گردیده است. کعبه‌بخش‌های آن در زیر آورده می‌شود:

دهمین سالگرد انقلاب شوروی باد!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دهمین سالگرد انقلاب شوروی به‌عنوان مبارز، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، و از این طریق به همه مردم نجیب جمهوری افغانستان صمیمانه شادباش گفته و در این خجسته روز، بسیار دیگر همسنگی‌ها را در این خودبازمندگان و سازمان‌دهندگان انقلاب ۲۷ ژانویه ۱۳۵۷ و رهبران پیگیر آن شوروی اعلام می‌دارد.

... زایش افغانستان مستقل و مترقی از دل انقلاب شوروی، سیمای سیاسی منطقه حساس و استراتژیک ما را دگرگون کرد. امپریالیسم و ارتجاع منطقه، هر اس از زبیدانی این سنگر نوین صلح و ترقی در منطقه، سیاست جنگ اعلام‌نشده علیه انقلاب شوروی را چرین دست آوردن، یعنی حاکمیت مردمی افغانستان را در پیش گرفتند. انقلاب افغانستان، در مقابل این توطئه‌ها راه ایستادگی فداکارانه را برگزید و با برخورداری از کمک‌های پراچ اتحاد شوروی، از خود دفاع کرد. ... اجرای مصلحت‌محور یکی از جدترین منازعات منطقه‌ای را می‌کند - پذیریم ما ذریه‌ت‌ها مین صلح درجه معبشری کمک می‌سازد. سیاست "مصلحت‌محور" تا دمقول‌ترین راه در تعیین سرشت افغانستان به دست خود افغان‌هاست که رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان با در پیش گرفتن آن، مسئولان و فعالان کشور را در جهت ایجا دساتار متکی بر سیستم چند حزبی در عرض سیاسی و چندپنای در عرض اقتصادی دست داده است. ...

اکنون با مافی توافق‌نامه‌های ژنو، شرایط بس مساعدی برای انزواء سیاست ادمجنتیک و خون‌ریزی در افغانستان، سریع‌الپیروی‌ها مصلحت‌محور و توطئه‌ها مکنات به منظور حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان به وجود آمده است. ...

توافق‌نامه‌های ژنو که مورد پشتیبانی گسترده‌ترین محافل سیاسی جهان قرار گرفته است، پیروزی مهمی برای نیروی صلح در گستره جهان، منطقه و افغانستان محسوب می‌گردد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از توافق حاصل شده در کنفرانس ژنو، استقبال کرده و بی‌شک، پیش‌رونده‌ها را در تحقیق آن را قاطعانه، محکوم می‌کند.

رژیم رنجانی جمهوری اسلامی، با کنارگیری از شرکت درون‌مذاکرات ژنو، طی شش سال گذشته، تا تخداسیات دوامدار مداخله‌جویانه از طریق تشنج فریبی در مرزهای کشورها به‌منظور افغانستان، تسلیح و تخریب‌ها به نفع فدا انقلابی برای اعمال جنایتکارانه و ویرانگرانه علیه هم‌وطنان و زادگاهشان، و نیز جلوگیری از بازگشت مهاجرین افغان به وطن خود، به‌طور آشکارا پذیرای خصومت علیه انقلاب شوروی و راه‌های آن را به اثبات رسانیده است. این سیاست که چشم‌اندازی برای توقف آن دیده نمی‌شود، کاملاً با آرمان و منافع مردم ایران و خواست‌های نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور ما است.

... کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با درگیری‌های خصمانه و مداخله‌جویانه رژیم‌خیمینی علیه افغانستان را قاطعانه محکوم کرده و از تلاش‌های مسئولان جمهوری افغانستان در اعاده‌ی سازی مناسبات بین دو کشور، جدا پشتیبانی می‌کند. ...

شهرها، هرگونه کاربرد سلاح شیمیایی، جنایت‌های هولناک است. ما این فجاج را به شدت محکوم می‌کنیم.

ما خواهان اجرای فوری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و خواهان تشدید فشار بین‌المللی علیه طرفی هستیم که پذیرش این قطعنامه را می‌نویسند. رژیم جمهوری اسلامی ایران تاکنون از پذیرش آتش‌بس خودداری کرده است.

ما خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر امپریالیسم آمریکا و متحدان از خلیج فارس و جلوگیری از تخریب راه‌رو عمل تجار و کاروانه در منطقه خلیج و تأمین و نظارت بر امنیت کشتی‌رانی توسط نیروی ناظر سازمان ملل هستیم.

دست امپریالیسم آمریکا از خلیج فارس کوتاه مرگ بر جنگ افروزان نازنده با دملح کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ فروردین ۱۳۴۷

انسحاق در حزب دمکرات

در پی برگزاری کنگره هشتم حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری این حزب به دو بخش تقسیم شد، یکی در پی مصالح مردم کردستان با ایجاد می‌کننده تفرقه در صفوف نیروهای مترقی کردستان می‌باشد و هرگز خلق کرد را جلب پشتیبانی و همبستگی با نیروهای مبارز کشور و جهان را برپا می‌داند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با احساس مسئولیت عمیق در قبال مصالح آبی و آتشی جنبش ملی خلق کرد، همواره خواستار آن بوده است که صفوف حزب دمکرات کردستان ایران، برپایه بنیان انقلابی بنیاد نگذارند و بر اساس اهداف ترقی‌خواهانه و دموکراتیک جنبش ملی کردستان، تحکیم و گسترش یابد. ما با تا کید بر اهمیت مبارزه خلق کرد علیه رژیم مستعمر و سرکوبگر خمینی و در راه دموکراسی برای ایران - کردستان و خودمختاری برای کردستان و جایگاه ویژه جنبش ملی کردستان در جنبش انقلابی و دموکراتیک کشور، بی‌گبارانه و به کرات اهمیت اش را در اجرای سیاست اتحاد و همکاری حزب دمکرات کردستان ایران با نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه کشور و جهان را به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران یادآور شده ایم.

بر همین اساس، ما نگرانی خود را از رشد گرایش‌های منفی مبتنی بر فاسدکاری‌های از آلمان‌های دمکراتیک و ترقی‌خواهانه و همبستگی تقویت انحطاط طلبی در رهبری حزب دمکرات کردستان ایران که می‌باید خصلت دمکراتیک و مترقی جنبش ملی خلق کرد و منافع اصل رعایت دموکراسی در صفوف حزب است، و نیز نگرانی از بی‌پاسخ گذاشتن فراخوان‌های اتحاد دوجانبه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با رهبران اعلام‌شده، این روندهای منفی که مورد انتقاد ما بوده و هست، متاسفانه تا به امروز ادامه یافته و گسترش بیشتری یافته است. به طوریکه در انتقاد کنگره هشتم حزب رسماً بر اجتناب از همگرایی اتحاد فدائیان خلق ایران (اکثریت) تا کید شده است. این موضع غیرمسئولانه و غیردمکراتیک رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، بی‌نگرانی سطح پیشرفت و گسترش روندهای منفی در کمیته مرکزی حزب است.

اگر مسلم، این بوده که تضعیف مواضع ترقی‌خواهانه در رهبری حزب دمکرات کردستان ایران و عدم استقبال آن از نظرات و انتقاداتی که خواهان نزدیکی، اتحاد و همبستگی حزب با نیروهای دمکراتیک ایران و جهان بوده است، نمی‌توانست به تشدید تنش در رهبری و بدنه حزب نیا نتایج مدور زمینه‌های تجزیه و شقاق در صفوف حزب را گسترش ندهد.

زمانی که در برخورد با انتقادات و اختلافات درون حزبی، شیوه‌های دفع‌کننده و یا نقض اصول حل دمکراتیک مسائل مورد اختلاف کامیاب نشود، آنگاه خطر آن است که حزب در معرض ششمت و شقاق قرار گیرد. این خطر به ویژه در شرایط عینی نامساعد جنبش پیشتر می‌شود. در شرایط رکود، احتمال از دست رفتن امید به حل و فصل دمکراتیک و مدبرانه اختلافات درون حزب افزایش می‌یابد.

متأسفانه در سالهای اخیر، رهبری حزب دمکرات کردستان در مسیری کاملاً مبردا شده و به روش‌هایی آدا مدها داشته که مورد انتقاد جدی ما و دیگر نیروهای انقلابی بوده و هست. اکنون، حزب دمکرات کردستان ایران، دستخوش انشقاق شده و مسلماً در صورت تداوم گرایش‌های منفی و ادامه شیوه‌های غیردمکراتیک در مسائل درون حزبی، حزب همچنان در معرض ششمت قرار خواهد داشت.

اما در لحظه کنونی، مسئله مرکزی، همانست که چونگی برخورد با وقایع پیش آمده است. اینک همه تلاش‌ها با بی‌متوجه جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌های بیشتر به جنبش ملی خلق کرد گسرد و فقط در راستای تعالی و تقویت جنبش دمکراتیک خلق کرد و جنبش انقلابی و دمکراتیک سراسری تا شریکند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان آن است که هر دو بخش رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، با اجتناب از کار بست روش‌هایی که جوته‌ها صورت‌دهنده را در من می‌زند، بگوشند زمینه‌تفا هم‌تفاهیل و مذاکره برای همگرایی و همپا را فراهم آورند. تنها راه مسئولانه برای طرفین، راهی که منطبق بر منافع بوده‌های خلق کرد و همه مردم ایران است، اتحاد در مبارزه مشترک علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و در پیش گرفتن همگامی و همپا‌های با یکدیگر علیه امپریالیسم و ارتجاع خمینی است.

ترویر اوجوباد رامحکوم می‌کنیم

ما مورین رژیم تروریستی و جناحی را اسرائیل ۲۶ فوروردین ماه، اوجوباد، معاون سرفرماندهی نیروهای مسلح انقلاب فلسطین و عضو کمیته مرکزی الفتح را در محل اقامتش در تونس به قتل رساندند. دستور قتل ناخواسته اوجوباد، مستقیماً توسط نخست وزیر، وزیر دفاع و وزیر خارجه اسرائیل صادر شده بود.

رژیم صهیونیستی اسرائیل که از در هم کشیدن قیام ییگانه رچه خلق فلسطین مایوس شده، به قتل‌دادن اوجوباد در رهبران قیام دست باز کرده است. توسل سبانه به ترور و کشتار جمعی مردم فلسطین، نشاندهنده زبونی رژیم تروریست اسرائیل است. مردم فلسطین با گسترش اعتراضات و تظاهرات، خشم و نفرت خود را علیه آدم‌کشی‌های اسرائیل ابراز می‌دارند. ترویر ناخواسته اوجوباد، چهره‌گر رژیم اسرائیل را بیش از پیش فاش و خشمناک زجر رجه‌ها نشان را علیه آن برانگیخته است.

در پی قتل و وحشیانه اوجوباد، تظاهرات و اعتراضات در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه - اوج یی‌با بقدها به خود گرفت. فلسطینیان در این تظاهرات خواستار پایان دادن به خودسری رژیم اسرائیل و نیروهای ویژه آن که منجر به ریخته شدن خون صدها میهن پرست فلسطینی شده است، گردیدند. اشغالگران همرا با سرکوب و وحشیانه تظاهرات در اکثر نقاط مسکونی اردوگاه‌های فلسطینی و در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، مقررات منع عبور و مرور برقرار کردند. هزاران سرباز و کوما ندو برای برانگیدن جمعیت، به تظاهرات کنندگان حمله کردند. هلیکوپترهای جنگنده اسرائیلی نیز برای کشتن آتش بر روی تظاهرات کنندگان وارد میدان گردیدند. کدر نتیجه آن ۱۷ نفر از جمله زنان و کودکان کشته و صدها زخمی شدند. این روز، خونین ترسین روز در تمام مدت پنج ماهه دوره اخیر قیام فلسطینی است.

کمیته مرکزی سازمان ما در رابطه با قتل اوجوباد، بهیام هم‌مردی به شورای رهبری سازمان آزادبخش فلسطین ارسال داشت که در آن ضمن ابراز انزجار و تشدید عمل تروریستی رژیم اسرائیل و محکومیت آن، با رد دیگر جرمات سازمان از مبارزه علیه اقلان فلسطین برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی تحت رهبری سازمان آزادبخش فلسطین، تا کید گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان آن است که سیمای حزب دمکرات کردستان ایران همان‌بماند که توسط بنیاد نگذاران حزب تروریسم گردیده و آن در طول چند دهه توسط بهترین فرزندان خلق و متعهدترین رهبران حزب و سبانه قیمت رنج و خون فراوان با یاداری شده است. این سیمای خطوط اصیل اتحاد دمکراتیک و همبستگی همه نیروهای مدافع خودمختاری کردستان در ایران دمکراتیک، با فشاری بر سرشوندگی کمان خلق کرد با دیگر خلق‌های میهنمان و نتیجتاً بر لزوم اتحاد تنگ‌نیروهای ملی خلق کرد با سازمان‌ها و احزاب انقلابی و دمکراتیک کشور در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تا کید بر تلاش مستمر به منظور تاسیس و گسترش روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و مترقی و نیروهای ترقی‌خواه جهان است. به اعتقاد ما سازمان ما، لازم است که در راه آزادی و استقلال و اصل انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران و میراث‌داری تاریخی آن، با یداری در مواضع ترقی‌خواهانه تاریخی آن است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیرغم انشقاق در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران، از مبارزه همه نیروهای حزب دمکرات در راه سرنگونی رژیم خمینی، دفاع و جایبنداری می‌کند. کمیته مرکزی سازمان همان‌گونه که با رها و از جمله در نامه‌های مورخ ۲۵ مرداد ماه ۶۴ و ۱۵ آذر ماه ۶۶، به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران خاطر نشان کرده است، با رد دیگر اعلام‌ی‌ها در گذشته مسئله مبارزه علیه رژیم در راه تاسیس و گسترش روابط دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان مطرح است. هیچ پیش‌شرط و اختلاف نظر بر سر مسائل دیگر، نمی‌تواند مانع از اتحاد عمل ما در مقابل مبارزه رژیم مستعمر و سرکوبگر ولایت فقیه به وجود آورد. این فراخوان، اکنون نیز خطاب به همه نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران به قوت خود باقی است.

مطالسه مردم ایران و خلق کرد، اتحاد دمکراتیک همه نیروهای انقلابی، دمکرات و ترقی‌خواه کشور در مبارزه علیه رژیم مستعمر و سرکوبگر خمینی است.

به یاد بیژن و یاران

سیام فروردین ماه، با فروزش دت قهرمانانه رفیق بیژن جزئی بنیاد نگذاران زمان وفدا شیمان قهرمان رفقا حسن ضیا، ظریفی، محمدجواد نژاد، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سمدی، احمد جلیل فشار، عباس سورکی و مجاهدین خلق ممطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار است.

"بزرگداشت، لحظه غرور، یادآوری، تعمق و نگاه به آینده است." و برای ما فدائیان خلق، بزرگداشت بیژن و یاران چنین است.

ما از بیژن و رهگشا یان، از اشرف‌ها و بهروزها، از پویان‌ها و مفتاحی‌ها و از همه انقلابیون دهه ۴۰ با غرور و افتخار یاد می‌کنیم. ما افتخار می‌کنیم که بنیاد نگذاران سازمان ما، برچمداران ایمان، صداقت، شجاعت، امید و حقیقت‌جویی بودند و این همه را با ایثار جان خود و با یداری و وفاداری عاشقانه در راه خلق، نشان دادند.

بزرگداشت لحظه یادآوری است. یادآوری روزهای سخت سال‌های ۴۰، تاخت‌و‌تاز زردی‌ها، "انقلاب سفید"، روزهای صیقل‌دادن سلاح و تدارک کارزار، روزهای جوش محافل گروه‌های تازه، خانه‌های شیمی و درگیری‌های خیابانی، تک نغمه‌های خیزش توده‌ای، افسریه، شبهای شعیه، تیربازی‌ها، عظیم مردم، بیت و وحیرت نا باوران، اشک شوق انقلابیون و تلخی شرنگی که در کام مسام ریخته است؛ جای خالی بیژن... چه کاری بود زخمی که دشمن با داشته‌ها ریخته بیژن، برپیکر سازمان نشانند! و چه جای نگار بود و دلخورد و بیژن در روزهای دشوار و هدایت میلیون‌ها مردم به باخاسته!

بزرگداشت، لحظه تعمق در راه طی شده است. تعمق در فرآیند زورفروها، شکست‌ها و پیروزی‌ها است. تعمق در لحظات هفده‌گانه بهیاریان، عمر ما زمان. تعمق در کج‌اندیشی‌ها و خطاها. تعمق در کردار عظیم انقلاب بهمن که بدان گونه‌تفا با آن آرزو رسید و بدین گونه پرشتاب از دستن توده‌ها برآمده است و سرانجام تقسیم در جنبش فدائیان و راهی که ایسن جنبش تا امروز پیچیده.

بزرگداشت، نگاه به آینده است. به گذشته می‌نگریم. به گذشته بازمی‌گردیم، با رها و یارها، در گذشته غم‌ناک می‌کنیم، تا آینده را بازمی‌سازیم. ستاره‌های که بیژن با من بود و در آخرین نگاه فروردین بر سر خاسته بود، غلام‌ها ۴۰، اولودی - روشنی‌بختیده، در راه تفسیر فرآیندها ۵۰ سرکشیده بود. با ساری افراشته و چشمانی نافذ و کاوند، جستجوگر درد بر روی آری گذرا ز معبر پر پیچ و خم فرآیند، مشغلی را که از دست بیژن‌ها به دست ما رسیده است، فروزان نگاه داریم. با درس آموزی از مکتب انقلاب بهمن و بررسی نقادانه تجربه گذشته در پرستو آموزش‌های لیبینی، روزهای دشوار و سنگین گذر سلطه‌سپاهی و خرافات را بر سر و نیمه به استقبال مارش توفنده توده‌ها در روزهای بیست‌ساله برویم. این مهم‌ترین درسی است که با یاد از مکتب بیژن و پیشاهنگان را در دهه‌های چهل و بیست و شش، هر انداز تا تاریخ، سرانجام رفتنی است. صبح توده‌ها در راه است.

تصحیح و یوزش
با یوزش از خوانندگان، در شماره گذشته به "کار" در صفحه ۱۰ ستون اول با راگراف ما قبل‌خر ناقص چاپ شده بود. متن کامل را راگراف چنین است:

رویدادهای اخیر به معنای تجدید نظر در فقه سنتی و تئوری ولایت فقیه به‌طور کلی نیست. اما تضعیف موقعیت شورای نگهبان (شورای فقه) بدینگونه جلوه‌یابستار تضعیف "شرع" در برابر مصلحت حفظ نظام.

با جمع آوری کمک‌های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: **PI-10 1091 WIEN AUSTRIA**

حساب بانکی: **AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD TRNER**

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی